



انتشارات مشاوران آموزش
ناشر تخصصی عمومی و علوم انسانی



مجموعه کتاب‌های تستیک



تست

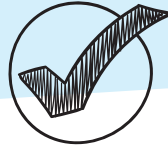
عربی

عمومی

بہروز حیدربکی



پستنگ فنار



«کتابی برای پرکاری تستی»

✓ چرا «تستیک» را آماده کردیم؟

پشت سر این مجموعه کتاب، یک ایده آموزشی وجود دارد: برخی از دانش آموزان، مطالب درسی را در مدرسه یاد می گیرند و از تست به عنوان یک ابزار یادگیری استفاده می کنند و ابتدا تست کار می کنند. این دانش آموزان، این ترتیب را در یادگیری دارند: یادگیری در مدرسه + پرکاری تستی + رفع اشکال به کمک پاسخ های تشریحی + مراجعه به درسنامه برای مرور طبیعی است که این دانش آموزان بهتر و بهتر مطالب را یاد خواهند گرفت و به نظر می رسد که نتایج درخشان تری در آزمون های چهارگزینه ای نیز بگیرند. ✓ به تست پاسخ بده، تیک بزن، برو جلو.

تستیک یعنی چه؟

«تستیک = تست + تیک»

یادگیری از طریق تست، جسارت نیز می خواهد. این یادمان باشد. جسارت می خواهد چون ممکن است از حجم تست هایی که پاسخ آن را نمی دانیم یا پاسخ تست را اشتباه زده باشیم، بترسیم و در این صورت باز برویم و فقط درسنامه بخوانیم، اما نترسید.

یادتان باشد که تکرار دوباره درسنامه به شما کمکی نمی کند و تنها باعث می شود که آرام شوید.

اما بهترین کار این است که آرام نباشید. آرامش را نباید با کارهای غلط که نتیجه ندارد به دست آورید. آرامش باید در اثر کارهای درستی باشد که منجر به نتیجه خوب می شود.

تست زدن، ایرادهای ما را رو می کند. نترسید؛ بگذارید ایرادهایتان رو شود تا بتوانید ایرادهای تان را حل کنید و با حل هر ایراد، یک قدم برای نتیجه بهتر بردارید. برویم و حمله کنیم برای به دست آوردن نتیجه ای بهتر!

انتشارات مشاوران آموزش

وحید تمنا



مقدمه

تقدیم به امین و آیدنا

بخش بسیار مهمی از زندگی هر آدمی را دوستانش تشکیل می‌دهند؛ کسانی که مستقیماً خودمان انتخاب‌شان می‌کنیم. دوستان صمیمی بسیار بر ما اثرگذارند، شخصیت‌مان را شکل می‌دهند، فضای اطراف ما را می‌سازند و در روند زندگی‌مان نقش دارند. به شخصه خیلی مدیون دوستانم هستم؛ آدم‌هایی که با خنده من خندیدند، با ناراحتی من به هم ریختند، در مشکلات - نه پاک کردن صورت مسئله - بلکه راه‌حلشان را یادم دادند، با موفقیت‌های من خوشحال شدند، همیشه و همیشه خیر و صلاح من را خواستند و صد البته که بعضی جاها صبوری کردند. بخشی از امروز را مدیون این عزیزان هستم. این چند خط را خاضعانه و صمیمانه برایشان نوشتم تا قدردانی کنم از لطف‌هایی که به من داشتند. بی‌نهایت سپاسگزارم از شما. امیدوارم خودم هم دوست خوبی برایتان بوده باشم.

درباره کتاب

از نوشتن این کتاب لذت بردم؛ ساختاری که همیشه مد نظر بود، آدم‌های فوق‌العاده‌ای که در این همراهی‌ام کردند و مدیر تألیفی که لبخندهایش مصنوعی نبود و ایده‌های خوب کتاب را مدیونش هستم. با خواندن کتاب عربی دهم سری تستیک هم اطلاعات عربی‌تان بالا می‌رود، هم از پس امتحانات تشریحی برمی‌آید و هم دیگر تست‌ها برایتان گول بی‌شاخ و دم نیستند. (و البته امیدوارم که به عربی علاقه‌مند هم شوید.) کتابمان در سه قسمت نوشته شده:

۱- درسنامه: ابتدا - تا جایی که امکان بود - گپی با هم زدیم، نقشه راه را برایتان مشخص کردیم و بعد با قلمی ساده و روان قواعد را بیان کردیم. در لابه‌لای درسنامه قواعد، تمرین و نمونه تستی هم خواهیم دید. دو تیترا «ریزه‌کاری‌ها» و «تیزشیم» در هر درس چشم انتظارتانند. «تیزشیم» به شما کمک می‌کند که حل کردن تست‌ها برایتان ساده‌تر شوند. به قسمت ترجمه می‌رسیم؛ ابتدا نکات ترجمه مربوط به هر درس را گفتیم و بعد نکات ترجمه متن کتاب و تمرین‌ها را آوردیم. تمرین و نمونه تستی در این بخش هم، حضور فعالی دارند. واژه‌نامه، مترادف و متضاد، جمع مکسر و متشابهات جزء بخش واژگان‌اند. یک بخشی به نام «التفریحات» را هم برایتان آورده‌ام که به احتمال خیلی زیاد می‌پسندینش! «مکالمه» و «مفهوم» حسن ختام درسنامه هستند.

۲- تست: تست‌هایمان را در سه بخش دسته‌بندی کردیم:

الف) عاقله‌پسند: تست‌هایی ساده تا متوسط که به‌عنوان دست‌گرمی آوردیمشان. البته در همین تست‌های به ظاهر ساده هم گاهی نکات جالبی آمده!

ب) طبقه متوسط: دستتان که گرم شد، نوبت حل کردن تست‌های متوسط و متوسط رو به بالاست. بیشتر دقت کنید در حل تست‌های این بخش و مواظب باشید گول ظاهر برخی سؤال‌ها را نخورید.

ج) باشگاه مبارزه: که همان تست‌های متوسط رو به بالا و دشوارند. هر کدامشان را با یک هدفی در این بخش آوردیم. توصیه می‌کنم تست‌های این بخش را بیشتر از یک‌بار حل کنید. شما را به چالش فرا می‌خوانند.

در هر بخش از تست‌ها، سؤال‌ها، سؤال‌ها، سؤال‌ها، ترجمه، تعریف، مفهوم، مکالمه و قواعد آمده‌اند، منتها سؤال‌ها مربوط به درک متن را فقط در بخش «باشگاه مبارزه» خواهید دید.

۳- پشت صحنه: بالمناصبه همان پاسخ‌های تشریحی‌اند. تمام تلاش من این بود که کامل، ساده، جذاب و قابل فهم باشند. گاهی شکل و شمایل درسنامه را به خود گرفته‌اند، می‌توانید نکات مهمش را یادداشت کنید. توصیه می‌کنم از دست ندهید این بخش را!

در روند تألیف و تولید این کتاب آدم‌های زیادی زحمت کشیدند که صمیمانه از آن‌ها ممنونم: «احمد خداداد» که ایده کتاب را با خودش به همراه داشت و مثل همیشه صبوری کرد، «صبح سالک» که زحمت هماهنگی و کارهای اجرایی این کتاب را کشید و خیلی حوصله و دقت به خرج داد، «سها سلیمان‌زاده» که حروف‌نگاری را به نحو احسن انجام داد، «طرلان محمّدی» که با دقت و وسواس خاضی کتابمان را آراست، «مختار حسامی» و «الهه رزّاقی» که ویرایش علمی کتاب را به عهده داشتند و اشتباهاتم را به من گوشزد کردند، باز هم «صبح سالک» که ویرایش فنی کتاب را با دقت و دلسوزی انجام داد، «مهناز حامدی» که ریزبینی و پشتکارش خیلی کمکم کرد و هر دوست عزیزی که احتمالاً نامش از قلم افتاده باشد. خوشحالم به واسطه این کتاب با «وحید تقنا» هم آشنا شدم. خیلی خوشحالم.

موفق بدانید

بهر روز حیدر بکی

مهرست



- الدرّسُ الأوّلُ
٦ ذلك هو الله + التّعارُف
- الدرّسُ الثّاني
٣٩ المَوَاعِظُ العَدَدِيَّةُ + الأَعْدَادُ مِن وَاحِدٍ إِلَى مِئَةٍ + فِي مَطَارِ النَّجَفِ
- الدرّسُ الثّالثُ
٥٨ مَطَرُ السَّمَكِ + أَشْكَالُ الأَفْعَالِ (١) + فِي قِسْمِ الجَوَازَاتِ
- الدرّسُ الرّابِعُ
٧٦ التّعَابِثُ السُّلْمِيّ + أَشْكَالُ الأَفْعَالِ (٢) + فِي صالَةِ التَّقْنِيثِ
- الدرّسُ الخامِسُ
٩٥ «هَذَا خَلَقَ اللهُ» + الجُمْلَةُ الفَعْلِيَّةُ وَ الإِسْمِيَّةُ + مَعَ سَائِقِ سَيَّارَةِ الأَجْرَةِ
- الدرّسُ السّادِسُ
١١٥ ذَوِ القَرْنَيْنِ + الفِعْلُ المَجْهُولُ + مَعَ مَسْئُولِ اسْتِيقْبَالِ الفُنْدُقِ
- الدرّسُ السّابِعُ
١٣٠ يَا مَنْ فِي البَحَارِ عَجَائِبُهُ + الجَارُّ وَ المَجْرورُ وَ نونُ الوِاقِيَةِ + مَعَ مُشْرِفِ خَدَمَاتِ الفُنْدُقِ
- الدرّسُ الثّامنُ
١٤٣ صِنَاعَةُ التَّلْمِيْعِ فِي الأَدَبِ الفَارِسِيِّ + إِسْمُ الفَاعِلِ وَ إِسْمُ المَفْعُولِ وَ إِسْمُ المُبَالَغَةِ + شِرَاءُ سَرِيحَةِ الهَاتِفِ الجَوَّالِ
- بِشْتِ صَحْنِهِ
١٥٩

الأزْرُ الثَّانِي

المَوَاعِظُ العَدَدِيَّةُ

قواعد

اعداد

«وقتی برای اولین بار، یک رمان عربی را می‌خوانم، در صفحه سوم به هفت کلمه پدید می‌آید که تا آن موقع نه دیده بودمشان و نه حتی اتفاقی شنیده بودمشان! شروع کردم برای بار دوم همان صفحه را خواندن. با توجه به سیاق متن و البته کمی فشار آوردن به سلول‌های مغز، توانستم معنای سه کلمه را درس بزنم. در این رمان که هشتمین صفحه داشت، چهاربار دیگر همین داستان برایم پیش آمد. تجربه جالبی بود!»
 متک بالا یک قاطره بود البته با کمی تاقسمتی تفریفاً لطفاً دقت کنید به «عذرها» بی که در آن به کار رفته:
 «اولین، یک، سوم، هفت، دوم، سه، هشتم، چهار»
 حتماً شما هم مثل من در طول روز با عددها سر و کار دارید! به هر حال، موضوع این درس همان دربارهٔ «اعداد» است.

نقشه راه

در این درس می‌فهمیم:

- ۱) بدانیم که در عربی اعداد به چند دسته تقسیم می‌شوند.
- ۲) عددهای اصلی و کاربردهای آن را یاد بگیریم.
- ۳) اعداد دو رقمی و شیوه نوشتنشان را یاد بگیریم.
- ۴) بدانیم که محدود چه کلمه‌ای است.
- ۵) با عددهای ترتیبی و کاربردهای آشنا شویم.
- ۶) با چهار عمل اصلی ریاضی در عربی آشنا شویم.
- ۷) نوع بیان درصد در عربی را یاد بگیریم.
- ۸) ترجمهٔ انواع عددها را یاد بگیریم.
- ۹) خلاصه با چم و خم عددها کامل آشنا شویم و صد البته از پس سؤالات تشریحی و تستی این مبحث، بر بیاییم.

انواع عددها

عددها در یک دسته‌بندی کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

اعداد اصلی اعداد ترتیبی

از همین ابتدا بگوییم که در این درس تمرکزمان بیشتر روی اعداد اصلی است. حُب! برویم ببینیم داستان از چه قرار است!

اعداد اصلی

«چهار دانش آموز، شش گل، هشت آهنگ، دو کتاب»

عددهای اصلی را برای شمارش به کار می‌بریم. عربی مثال‌های بالا را ببینید:

«أربعة طلاب (تلامیذ)، ستة أهداف (منظورم «گل» ای است که در فوتبال زده می‌شود)، ثمانی أغاني، کتابان اثنان»

من نظرم این است که اول عددهای اصلی ۱ تا ۲۰ را در یک جدول ببینید و بعد درباره‌شان با هم مفضل حرف بزنیم!

الأعداد الاصلية (واحد إلى عشرين)

| | | | | | |
|-----------|----|------------|----|------------|----|
| واحد | ۱ | اثنان | ۲ | ثلاثة | ۳ |
| أربعة | ۴ | خمسة | ۵ | سبعة | ۶ |
| سبعة | ۷ | ثمانية | ۸ | تسعة | ۹ |
| عشرة | ۱۰ | أحد عشر | ۱۱ | اثنان عشر | ۱۲ |
| ثلاثة عشر | ۱۳ | أربعة عشر | ۱۴ | خمسة عشر | ۱۵ |
| سبعة عشر | ۱۶ | ثمانية عشر | ۱۷ | ثمانية عشر | ۱۸ |
| تسعة عشر | ۱۹ | عشرون | ۲۰ | | |

اعداد دو رقمی

اعداد دو رقمی را در دو دسته بررسی می‌کنیم. یکی «۹۰-۲۰» (صرفاً مضرب‌های ۱۰) و یکی «۹۹-۲۱» (به جز مضرب‌های ۱۰).
 «۲۰-۹۰» (مضرب ۱۰): این اعداد مذکر و مؤنث ندارند و فقط گاهی آن‌ها را به جای «ون» همراه «ین» هم خواهید دید:

- | | | |
|----------------------|----------------------|-----------------------|
| ۲۰- عشرون، عِشْرين | ۳۰- ثلاثون، ثَلَاثين | ۴۰- أربعون، أَرْبَعين |
| ۵۰- خمسون، خَمْسين | ۶۰- ستون، سِتّين | ۷۰- سبعون، سَبْعين |
| ۸۰- ثمانون، ثَمَانين | ۹۰- تسعون، تِسْعين | |

عشرون متفرداً: بیست تماشاچی
 أربعون يوماً: چهل روز

مثال

عدهای «۲۱ تا ۹۹»: شیوه نوشتنشان جالب است. مثال‌های زیر را ببینید:

شصت و چهار: أربعة و ستون (۶۴) بیست و هشت: ثمانية و عشرون (۲۸) هفتاد و سه: ثلاثة و سبعون (۷۳)

خوب دقت کردید؟! برعکس فارسی خودمان در عربی برای نوشتن اعداد دو رقمی، اول یکان را می‌آوریم و بعد دهگان را. «و» بینشان هم ضروری است.

التمرین

- | | | |
|---|---|---|
| <input type="checkbox"/> ۱- عین ما يعادل «۴۹» في العربية: | <input type="checkbox"/> ۱) تسعة و أربعون | <input type="checkbox"/> ۲) أربعة و تسعون |
| <input type="checkbox"/> ۲- نصف عدد «۷۰» بالعربية: | <input type="checkbox"/> ۱) ثلاثون و خمسة | <input type="checkbox"/> ۲) خمسة و ثلاثون |
| <input type="checkbox"/> ۳- عدد «۱۴» بالعربية: | <input type="checkbox"/> ۱) أربعة و عشر | <input type="checkbox"/> ۲) أربعة عشر |

پاسخ:

- «چهل و نه» حُب! اول یکان، بعد دهگان: «چهل و نه» تسعة و أربعون
 «أربعة و تسعون» یعنی «نود و چهار»!
- اول یک تقسیم ساده: $70 \div 2 = 35$: «سی و پنج» خمسة و ثلاثون

«ثلاثون و خمسة» اصلاً وجود خارجی ندارد! (در عربی نمی‌شود اول، دهگان را آورد و بعد یکان را!)
 ۳- عدد «چهارده» را بدون «و» می‌نویسند: «أربعة عشر». فقط برای نوشتن اعداد «۹۹-۲۱» از «و» استفاده می‌کنیم.

چند مثال:

ستّه و عشرون يوماً: بیست و شش روز سبعة و ستون رجلاً: شصت و هفت مرد
 خمس و أربعون غرفةً: چهل و پنج اتاق اثنان و ثلاثون امرأةً: سی و دو زن



- عین التصحیح عن الأعداد:
- «۷۳» بالعربية: سبعون و ثلاثة!
 - أكبر عدد ذات رقمين بالعربية: تسعة و تسعون!

پاسخ: بررسی گزینه‌ها:

- اول یکان، بعد دهگان: «هفتاد و سه» ثلاثة و سبعون
- کلک این گزینه این بود که اگر تقسیم را از یکان شروع کنید، اشتباه می‌کنید. خیلی واضح است که تقسیم باید از دهگان شروع شود: $73 \div 2 = 37$ ، «سی و هفت» سبعة و ثلاثون

۳) بزرگترین عدد دو رقمی: نود و نه! ✓
 ۴) کوچکترین عدد دو رقمی که «عشرون» بیست نمی‌شود! «عشرة: ده» کوچکترین عدد دو رقمی است. بنابراین گزینه «۳» صحیح است.

نمونه‌تستی

صد و هزار

تا بحث اعداد داغ است، برویم سراغ «صد و هزار»:

صد: «صد» را به صورت «مئة، مائة» می‌نویسند: مئة سمكة: صد ماهی
 هزار: هزار به عربی می‌شود «ألف»: ألف بيت: هزار خانه

نوجه! از «مئة» و «ألف» می‌توانیم عددها و اصطلاحات بسیاری را بسازیم:

«مئتان، مئتين: دویست»، «ثلاثمئة: سیصد»، «ألفان، ألفین: دو هزار»، «أربعة آلاف: چهار هزار»، «آلاف: هزاران» و ...!

التمرین

- (۱) اُكْتَب «شصت درصد» بالعربیّة.
 (۲) «رُبْع عدد من ثُلْثه» عین الصّحیح للفراغ:
 (۳) نصف عدد یعادل منه:

- (۱) أصغر
 (۲) أكبر
 (۱) خمسة في المئة
 (۲) خمسين في المئة

پاسخ:

- (۱) «عدد + في المئة ← ستون في المئة» (۲ / ۲) «یک چهارم عددی، از یک سومش است.» کوچکتر بزرگتر
 طبیعتاً یک چهارم عدد فرضی، کوچکتر از یک سومش است. (۳۳٪ < ۲۵٪)
 (۳) «نصف یک عدد معادل اش است. نصف یعنی پنجاه درصد؛ پس: پنج درصد پنجاه درصد

نکته یک بخش جدا که به اسم «ترجمه» داریم! آنجا مفصل برایتان از نکات ترجمه حرف می‌زنم اما در کل ما قواعد را یاد می‌گیریم تا در ترجمه از آن استفاده کنیم. همین‌جا در بخش قواعد هم یکی دو تست ترجمه با هم ببینیم.



«ستّة و ثمانون في المئة من رجال القرية يشتغلون بالزراعة أكثر من أربعين ساعة في الأسبوع!» عین الصّحیح:

- (۱) هشتاد و شش درصد از مردان روستا، در هفته بیشتر از چهار ساعت به کشاورزی مشغول‌اند!
 (۲) شصت و هشت درصد از مردان روستا، بیشتر از چهار ساعت هفته را کشاورزی می‌کنند!
 (۳) هشتاد و شش نفر از مردان روستا، بیشتر از چهار ساعت در هفته مشغول کشاورزی بودند!
 (۴) هشتاد و شش درصد از مردان بیش از چهار ساعت از هفته را در روستا مشغول کشاورزی هستند!

پاسخ:

مدل حل تست‌های ترجمه کمی با قواعد فرق می‌کند. در ترجمه بیشتر ما به دنبال «شاه‌کلید»ها هستیم تا گزینه رد کنیم. البته بهتر است هر گزینه را حداقل به دو دلیل کنار بگذاریم. به هر حال سرعت را فدای دقت نکنید.

«ستّة و ثمانون في المئة» یعنی «هشتاد و شش درصد». پس گزینه‌های «۲ و ۳» غلط‌اند، «رجال القرية: مردان روستا»، گزینه «۴» هم غلط شد! تا اینجا تستمان حل شده اما نکات دیگرش را هم بررسی می‌کنیم. با «یشتغلون بالزراعة: مشغول کشاورزی‌اند، به کشاورزی مشغول‌اند» گزینه‌های «۲» و «۳» را می‌فرستیم پی سرنوشتشان! در گزینه «۴» هم «از هفته» و «در روستا» اشتباه‌اند. بنابراین گزینه

«۱» صحیح است.

نمونه تستی



عین الخطأ:

- (۱) أربعة عشر زائد خمسة عشر يساوي تسعة و عشرين! چهارده به علاوه پانزده برابر است با بیست و نه!
 (۲) هناك سبع و ثلاثون حديقة في مدينتنا! سی و هفت پارک در شهر ما وجود دارد!
 (۳) أربعون تقسیم علی خمسة يساوي ثمانية! چهل تقسیم بر هشت برابر است با پنج!
 (۴) ستون في المئة من الطالبات نجحن في امتحانات نهاية السنة! شصت درصد از دانش‌آموزان در امتحانات پایان سال قبول شدند!

پاسخ:

آقا جان هر چند «چهل تقسیم بر هشت برابر است با پنج» گزاره درستی است اما ترجمه عبارت عربی نیست. ترجمه صحیح: «چهل تقسیم بر پنج برابر است با هشت!»

نمونه تستی

چند اصطلاح جالب یاد بگیرید:

- (۱) «عشرة على عشرة»: در عربی و به خصوص در زبان عامیانه وقتی بخواهند به کسی بگویند «آفرین، ایول» و ازین جور چیزها گاهی از این اصطلاح استفاده می‌کنند.
 (۲) «المئة في المئة»: تحت اللفظی اش که یعنی «صددرصد» ولی در مواقعی که بخواهیم بگوییم «قطعاً، حتماً» و ازین جور چیزها هم ازین اصطلاح استفاده می‌کنیم!
 (۳) «صفر علی الشمال»: تحت اللفظی اش یعنی «صفر در سمت چپ عدد». حتماً می‌دانید که صفر در سمت چپ عدد هیچ تأثیری بر آن ندارد مثلاً «۰۱» با «۱۰۰» فرقی ندارد (برعکس ۱۰ و ۱۰۰)! این اصطلاح برای یک چیز بی اهمیت به کار می‌رود و یا به ندرت برای اظهار تواضع هم به کار می‌رود مثلاً یکی می‌گوید: «أنا صفر علی الشمال» یعنی من نقشی نداشتم و از این مدل حرف‌ها!

التفريجات

* برای جمع‌بندی اعداد اصلی بهتر است به جدول‌ها و توضیح‌های زیر دقت کنید:

الأعداد الأصلية (واحد إلى تسعة عشر)

| | | |
|--------------|--------------|---------------|
| واحد ۱ | إثنان ۲ | ثلاثة ۳ |
| أربعة ۴ | خمسة ۵ | سبعة ۶ |
| سبعة ۷ | ثمانية ۸ | تسعة ۹ |
| عشرة ۱۰ | أحد عشر ۱۱ | إثنا عشر ۱۲ |
| ثلاثة عشر ۱۳ | أربعة عشر ۱۴ | خمسة عشر ۱۵ |
| سبعة عشر ۱۶ | تسعة عشر ۱۷ | ثمانية عشر ۱۸ |
| تسعة عشر ۱۹ | | |

اعداد دو رقمی (مضرب ۱۰)

| | | |
|-----------|-----------|-----------|
| عشرون ۲۰ | ثلاثون ۳۰ | أربعون ۴۰ |
| خمسون ۵۰ | ستون ۶۰ | سبعون ۷۰ |
| ثمانون ۸۰ | تسعون ۹۰ | |

* گفتیم که در عربی برای نوشتن اعداد دو رقمی، اول یکان را می‌نویسیم و بعد دهگان را:

چهل و شش: سِتَّةَ و أَرْبَعُونَ (۴۶) هفتاد و پنج: خَمْسَةَ و سَبْعُونَ (۷۵)

* «مئة: صد» و «ألف: هزار» را هم فراموش نکنید.

* درصد هم به عربی «عدد + في المئة» بود!

* این آخر کاری خوب است که روزهای هفته را در یک جدول با هم ببینیم:

| السَّبْت | الأحد | الاثنين | الثلاثاء | الأربعاء | الخميس | الجمعة |
|----------|--------|---------|----------|----------|----------|--------|
| شنبه | یکشنبه | دوشنبه | سه‌شنبه | چهارشنبه | پنج‌شنبه | جمعه |

اعداد ترتیبی

به مثال‌های زیر دقت کنید:

الضَّفُّ التَّاسِعُ: کلاس نهم

«التَّاسِعُ وَ السَّادِسُ» نمونه‌هایی از اعداد ترتیبی‌اند. این اعداد برای بیان رتبه، مقام و ازین دست مواد به کار می‌روند. مثال‌های فارسی‌اش هم حتماً برایتان آشناست:

«اول (اولین)، دوم (دومین)، سوم (سومین) و ...»

مثل اعداد اصلی، ابتدا اعداد ترتیبی «یک تا بیست» را در یک جدول ببینید و بعد بپردازیم به نکاتش!

الأعداد الترتیبية (من الأول إلى العشرين)

| | | | | | |
|------------|------|------------|------|------------|------|
| الأول | م ۱ | الثاني | م ۲ | الثالث | م ۳ |
| الرابع | م ۴ | الخامس | م ۵ | السادس | م ۶ |
| السابع | م ۷ | الثامن | م ۸ | التاسع | م ۹ |
| العاشر | م ۱۰ | الحادي عشر | م ۱۱ | الثاني عشر | م ۱۲ |
| الثالث عشر | م ۱۳ | الرابع عشر | م ۱۴ | الخامس عشر | م ۱۵ |
| السادس عشر | م ۱۴ | السابع عشر | م ۱۷ | الثامن عشر | م ۱۸ |
| التاسع عشر | م ۱۹ | العشرون | م ۲۰ | | |

ریزه کاری‌های اعداد ترتیبی

همان‌طور که گفتیم این اعداد برای بیان رتبه و مقام و ... به کار می‌روند و در ترجمه‌شان «م، مین» را خواهید دید. حتماً حواستان باشد که جای استفاده از آن‌ها کجاست:

سافرت إلى كيش في الأسبوع الرابع من الشهر السابع للسنة:

در هفته چهارم (چهارمین هفته) از ماه هفتم (هفتمین ماه) سال به کیش سفر کردم!

مؤتث «الأول» می‌شود «الأولی»! بقیه اعداد ترتیبی (به جز مضرب‌های ۱۰) را می‌توانید با اضافه کردن «ة» مؤتث کنید:

الثالث، الثالثة

الرابع عشر، الرابعة عشرة

* اعداد مضرب‌های ۱۰ مذکر و مؤتث ندارند! راحت! «العشرون» و رفقاییش هم برای مذکر به کار می‌روند و هم مؤتث:

القرن العشرون: قرن بیستم

السنة العشرون: سال بیستم

یادتان هست در بخش اعداد اصلی گفتیم که اعداد اصلی «یک و دو» (واحد و اثنان) غالباً در عبارات‌ها نقش صفت را بازی می‌کنند؟! همه اعداد ترتیبی هم وضعیتشان همین است. غالباً (نه همیشه) صفت می‌شوند! اصلاً مذکر و مؤنثشان به همین دلیل برابان اهمیت دارد:

الرياضي الثالث من إيران حصل على الجائزة الذهبية: سومین ورزشکار از ایران، جایزه طلا را به دست آورد.

موصوف صفت (عدد ترتیبی)

قرأت الصفحة الثالثة من تلك القصة القصيرة: صفحه سوم از آن داستان کوتاه را خواندم.

موصوف صفت (عدد ترتیبی)

* دیدید که جنس‌های عددهای ترتیبی با اسم قبلشان مطابقت دارد. (بحث مطابقت موصوف و صفت)

برای بیان ساعت از عدد اصلی «واحدة» و اعداد ترتیبی (آن هم به شکل مؤتث) استفاده می‌کنیم:

الساعة العاشرة تماماً: ساعت رأس ده است. (فیکس ده)

الساعة الواحدة والنصف: ساعت یک و نیم است.

* اگر بخواهیم دقیقه‌های ساعت را بیان کنیم به اعداد اصلی پناه می‌بریم:

الساعة الثانية و ثلاث و أربعون دقيقة: ساعت دو و چهل و سه دقیقه است.

عدد ترتیبی عدد اصلی

بیشتر اعداد ترتیبی بر وزن «فَاعِل» (و غالباً همراه «ال») می‌آیند:

الخامس: پنجم، پنجمین (بر وزن «فَاعِل» و همراه «ال»)

العاشر: دهم، دهمین (بر وزن «فَاعِل» و همراه «ال»)

* عدد ترتیبی «الأول» بر وزن «فَاعِل» نمی‌آید، اعداد دو رقمی مضرب ۱۰ (العشرون و ...) هم همین‌طور، در اعداد ۱۱ تا ۱۹ هم فقط جزء اول بر وزن

فاعل می‌آید:

السادس عَشْر: شانزدهم، شانزدهمین

الحادي عَشْر: یازدهم، یازدهمین

بر وزن «فَاعِل»

بر وزن «فَاعِل»

التمرین

□ (۲) الباب التسع

□ (۲) الساعة الرابعة

□ (۲) الثامن

□ (۲) الخامسة الأبواب

□ (۱) الباب التتابع

□ (۱) الساعة الأربعة

□ (۱) الواحد

□ (۱) خمسة أبواب

۱- عین الصَّحیح:

۲- عین الصَّحیح في بيان الساعة:

۳- عین العدد الترتیبی:

۴- عین الصَّحیح:

پاسخ:

۱- قرار شد برای بیان مقام و رتبه و اینها از اعداد ترتیبی استفاده کنیم. این اعداد غالباً صفت می‌شوند. «التاسع» عدد ترتیبی است. پس

«الباب التاسع: در نهم، نهمین در» درست است. ۲- برای بیان ساعت از اعداد ترتیبی استفاده می‌کنیم؛ پس «الساعة الرابعة» صحیح

است. ۳- هر چند «الواحد» بر وزن «فَاعِل» است و با «ال» آمده اما این کلمه عدد اصلی است. «الثامن: هشتم، هشتمین» عدد ترتیبی

است. ۴- برای بیان شمارش از اعداد اصلی استفاده می‌کنیم. «خَمْسَةُ أَبْوَابٍ: پنج در» صحیح است. «الخامسة الأبواب» وجود خارجی

ندارد و از بیخ و بُن اشتباه است.

جمع مکسر

| | |
|-----------------------------|---------------------------------|
| تَبَايِع: جمع يَنْبوع: چشمه | مَوَاعِظ: جمع موعظة: پند، اندرز |
| أَمْتَار: جمع مِتر: متر | أَقْدَام: جمع قَدَم: گام |

متشابهات

| | |
|--------------------------------------|--|
| جَلْم: بردباری / حُلْم: رویا | خُلُق: آفریدگان، آفرینش / خُلُق: رفتار |
| عَلِم: دانست / عَلَّم: یاد داد | لَيْت: درنگ کرد / لَيْسَ: پوشید |
| جَرَى: جاری شد / أَجْرَى: جاری کرد | صَدَق: راستگویی / صَدَاقَة: دوستی |
| نَزَلَ: نازل شد / أَنْزَلَ: نازل کرد | |

۱ «مضيف: مهمان دوست» را در این درس داشتید. بدانید که «دار الضیوف: مهمان سرا»

۲ «سماع: شنیدن» را در این درس داشتید. بدانید که «سماعة: سمعک»

۳ به نظر می‌رسد کلاً ترادف به شکل کامل وجود خارجی ندارد. مثلاً هر چند ما دو واژه «صنَع» و «بَتَى» را مترادف می‌گیریم اما کاربردشان در عبارات کاملاً متفاوت است. برای روشن‌تر شدن موضوع به دو واژه «پاک» و «تمیز» دقت کنید. ما می‌توانیم بگوییم «هوای پاک» ولی نمی‌توانیم بگوییم «خانه پاک»! می‌گوییم «خانه تمیز».

التفریحات

التمرین

کُتِلَ الفراغات في الترجمة:

- ۱- من علّم علماً أو أجرى نهراً أو غرس نخلاً أو ورتّ مصحفاً:
هر کس دانشی را (بیاورد یاد بدهد) یا رودی را جاری کند یا درخت خرمایی را بکارد یا قرآنی را (به ارث ببرد به ارث بگذارد) .
- ۲- جعل الله الرحمة مئة جزء فأمسك عنده تسعة و تسعين جزءاً:
خداوند مهربانی را (دویست صد) قسمت قرار داد و نود و نه تا از آن را (نزد خودش نگاه داشت نزد خودش پنهان کرد) .
- ۳- و فمن ذلك الجزء يتراحم الخلق: از آن قسمت آفریدگان (مهربان شدند به هم مهربانی می‌کنند) .
- ۴- من أخلص لله أربعين صباحاً ظهرت ينابيع الحكمة من قلبه على لسانه:
هر کس (چهار چهل) روز برای خداوند مخلص شود، (چشمه‌های نشانه‌های) حکمت از قلبش بر زبانش پدیدار می‌شوند.
- ۵- إذا كان اثنان يتناجيان فلا تدخل بينهما: هر گاه دو نفر (نجوا می‌کردند حرف می‌زدند) میان آن‌ها وارد نشو.

پاسخ:

- ۱- یاد بدهد، به ارث بگذارد / ۲- صد، نزد خودش نگاه داشت / ۳- به هم مهربانی می‌کنند / ۴- چهل، چشمه‌های / ۵- نجوا می‌کردند

التمرین

کُتِلَ فراغات الترجمة:

- ۱- ما أجمل غابات ما زندان و طبيعتها! : جنگل‌های ما زندان و طبیعتش (زیبا هستند چه زیبا هستند) .
- ۲- الشعب الإيرانيّ شعب مضياف: ملت ایران، ملتی (مهمان دوست خوش برخورد) هستند.
- ۳- «من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها»: هر کس (با یک نیکی بیاید یک نیکی بیاورد)، ده برابرش از آن اوست.
- ۴- علامات المؤمن ... الورع في الخلوة و الجلم عند الغضب و الصدق عند الخوف:
نشانه‌های مؤمن (پرهیزکاری راز و نیاز) در خلوت، (بردباری حرف نزدن) هنگام عصبانیت و (دوستی راستگویی) به هنگام ترس است.

پاسخ:

- ۱- چه زیبا هستند / ۲- مهمان دوست / ۳- یک نیکی بیاورد / ۴- پرهیزکاری، بردباری، راستگویی



انتخب المناسب للفرغات:

حواژ
(في مطار كربلاء المقدّسة)

| زائر من إيران | زائر من الكويت |
|---|---|
| السلام عليكم. (مرحباً بك) | ﴿ و عليكم السلام و رحمة الله و بركاته (مرحباً بك). (صباح النور □ مساء النور □) يا عزيزي. |
| ﴿ هل □ ما □ (حضرتك من سوريا؟) | ﴿ لا □ نعم □ (أنا من الكويت. و هل أنت من تركيا؟) |
| ﴿ لا؛ أنا إيراني. (أين □ كم □) مرة جئت للزيارة؟ | ﴿ جئت للمرة الثانية. و كم مرة جئت أنت؟ |
| ﴿ أنا (ما جئت □ جئت □) حتى الآن مع الأسف! | ﴿ كم عمرك؟ |
| ﴿ عمري (تاسعة عشرة □ تسعة عشر □) عاماً. | ﴿ (أين □ من أيّ □) مدينة أنت؟ |
| ﴿ أنا من شيراز في (قرية □ محافظة □) فارس. | ﴿ (ما أجمل □ ما أقبح □) الأماكن التاريخية في شيراز. |
| ﴿ هل (تعرف □ يعرف □) أحداً من شعراءنا؟ | ﴿ نعم؛ بالتأكيد. أنا أعرف لسان الغيب. |
| ﴿ ماشاء الله! تقصد حافظ الشيرازي. | ﴿ إن أشعاره (رائعة □ سائحة □) جداً. |
| ﴿ هل سافرت إلى إيران حتى الآن؟ | ﴿ نعم؛ ذهبت إلى مدينة قم لزيارة مرقد أخت الامام الثامن (ع). |
| ﴿ صحيح. كم يوماً (تبقى □ تفرغ □) في كربلاء المقدّسة؟ | ﴿ (أظنّ □ نالته □ ثلاثة □) أيام. |
| ﴿ كيف وجدت الشعب العراقي؟ | ﴿ (إتهم شعب (مضيف □ ضيف □) و يحترمون الضيوف و الزوّار. |
| ﴿ حفظهم الله. أنا أريد الذهاب إلى (الطائر □ المطار □) لاستقبال أسرتي. | ﴿ جيّد. أصبحت مسروراً لزيارتك. |
| ﴿ و أنا أيضاً. (إلى اللقاء □ عفواً □) | ﴿ شكراً. مع السلامة. |

پاسخ

۱- صباح النور (این کلمه در جواب «صبح الخیر» به کار می‌رود). ۲- هل ۳- لا ۴- کم ۵- ما جئت ۶- تسعة عشر ۷- من أيّ ۸- محافظة ۹- ما أجمل ۱۰- يعرف (دو آقا با هم حرف می‌زنند؛ فعل مذکر باید به کار ببریم). ۱۱- رائعة ۱۲- تبقى ۱۳- ثلاثة ۱۴- مضيف ۱۵- المطار ۱۶- إلى اللقاء

مفهوم

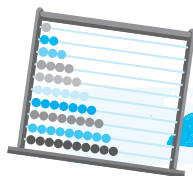
﴿ كلوا جميعاً و لا تفرّقوا فإنّ البركة مع الجماعة. ترجمه: همگی بخورید و پراکنده نشوید؛ زیرا برکت همراه جماعت است. مفهوم: دعوت به اتحاد و یکپارچگی.

﴿ إذا كان اثنان يتناجيان فلا تدخل بينهما. ترجمه: هرگاه دو نفر باهم نجوا می‌کردند، میان آن‌ها وارد نشو. مفهوم: تجسّس و فضولی نکردن در کارهای دیگران.

﴿ من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها ﴾ ترجمه: هر کس یک نیکی بیاورد، ده برابرش از آن اوست. مفهوم: سود معامله با خداوند.

﴿ و ما تقدّموا من خیر تجدوه عند الله ﴾ ترجمه: هرچه از خیر از پیش بفرستید، آن را نزد خداوند می‌یابید. مفهوم: ضایع نشدن کوچکترین کار خیری نزد خداوند.

۵۰



سنجش

درس دوم

عامه‌پسند



۱۱۲. عَيْنَ الْخَطَا عَنْ تَرْجُمَةِ الْكَلِمَاتِ الْمَعْيَنَةِ:

- ۱) تُضْرَبُ النَّمْلَةُ لِلْمَثَلِ لِلْمَحَاوَلَةِ الْمُسْتَمِرَّةِ! مورچه
۲) مِنْ عَلَامَاتِ الْمُؤْمِنِ الْجِلْمُ عِنْدَ الْغَضَبِ! سكوت
۳) إِنَّ الشَّعْبَ الْإِيرَانِيَّ شَعْبٌ مُضِيافٌ! مهمان‌دوست
۴) جَدِّي وَرَثٌ مُصْحَفٌ قَدِيمًا قَيِّمًا لَنَا! به ارث گذاشت

۱۱۳. عَيْنَ الْخَطَا عَمَّا طَلَبَ مِنْكَ:

- ۱) الطالبة قامت و سألت مدرّستها عن المرافق العائمة! مرادفه «نهضت»
۲) إِنَّ اللَّهَ أَرْسَلَ الْأَنْبِيَاءَ لِهَدَايَةِ جَمِيعِ النَّاسِ! مرادفه «بعث»
۳) إِنَّ الْوَالِدَ أَطْفَأَ الْمَصَابِيحَ كُلَّهَا ثُمَّ خَرَجَ مِنَ الْمَنْزِلِ! جمع التفسير و مفرده «المصباح»
۴) مِنْ غَرَسٍ نَخْلًا جَرِي أَجْرَهُ لَهُ حَتَّى بَعْدَ مَوْتِهِ! مضادّه «زرع»

۱۱۴. «هل كنت تعلمين أنّ ثمانين في المئة من موجودات العالم حشرات؟! عَيْنَ الصَّحِيحِ:

- ۱) آیا می‌دانی که هشتاد درصد از موجودات جهان از حشرات‌اند؟!
۲) آیا دانسته بودی که هشت درصد از موجودات عالم، حشرات هستند؟!
۳) آیا می‌دانستی که هشتاد درصد از موجودات جهان، حشرات‌اند؟!
۴) آیا می‌دانستی که حشرات، هشت درصد از کلّ موجودات جهان‌اند؟!

۱۱۵. «إذا كان اثنان يتناحيان فلا تدخل بينهما!»:

- ۱) هرگاه دو نفر نجوا می‌کردند، میان آن‌ها وارد نشو!
۲) وقتی که دو نفر مشغول صحبت بودند، میانشان وارد نشو!
۳) زمانی که دو نفر با هم صحبت می‌کنند، در کارشان دخالت نکن!
۴) هنگامی که دو نفر با هم راز می‌گفتند، نباید میانشان وارد شوی!

۱۱۶. «من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها»:

- ۱) آن‌که با یک نیکی بیاید، ده برابرش از آن اوست!
۲) هر کس با یک نیکی بیاید، ده‌ها برابرش جزای اوست!
۳) هر کس یک نیکی بیاورد، ده برابرش برای اوست!
۴) کسی که با خودش یک نیکی بیاورد، ده‌ها برابر از آن اوست!

۱۱۷. «أربعة و خمسون من المشاركين ذهبوا إلى المرحلة النهائية التي ستعقد بعد يومين!»:

- ۱) پنجاه و چهار نفر از شرکت‌کنندگان به مرحله پایانی که دو روز بعد برگزار خواهد شد، راه یافتند!
۲) چهل و پنج نفر از شرکت‌کنندگان به مرحله‌ای راه یافتند که دو روز بعد برگزار می‌شود!
۳) پنجاه و چهار درصد از شرکت‌کنندگان به مرحله پایانی که روز بعد برگزار خواهد شد، راه یافتند!
۴) چهل و پنج درصد از شرکت‌کنندگان به مرحله پایانی که قرار است دو روز بعد برگزار شود، راه یافتند!

۱۱۸. عَيْنَ الْخَطَا:

- ۱) مئتان ناقص سبعين يساوي مئة و ثلاثين! دویست منهای هفتاد برابر است با صد و سی!
۲) في الصفحة الخامسة من الكتاب جاءت نقطة هامة! در پنج صفحه از کتاب نکات مهمی آمده است!
۳) تيار الكهرباء في ستّ حجرات مقطوع! جریان برق در شش اتاق قطع شده است!
۴) هذا الحيوان يعيش أكثر من عشرين سنة! این حیوان بیش از بیست سال عمر می‌کند!

۱۱۹. «بيست درصد از معلّمان در جشن حاضر نشدند!»:

- ۱) عشرة في المئة من المدرّسين ما كانوا حاضرين في الحفلة!
۲) عشرون من المعلمين لايحضرون في الحفلة!
۳) عشرون في المئة من المدرّسين ما حضروا في الحفلة!
۴) عشرة من المعلمين ليسوا حاضرين في الحفلة!

۱۲۰. عَيْنَ الْخَطَا فِي الْحَوَارَات:

- ۱) هل حضرتك من العراق؟! لا؛ أنا لبناني!
۲) كم عمرك؟! عمري ثمانية و عشرون عاماً!
۳) هل ذهبت إلى إيران من قبل؟! لا؛ مع الأسف!
۴) كم مرّة جئت إلى شیراز؟! قبل سنوات!
۱) نیکنمای به که کمربند زّین!
۲) همی شرم دارم ز لطف کریم / که خوانم گُنه پیش لطفش عظیم
۳) نکوکاری از مردم نیک رای / یکی راه به ده می‌نویسد خدای
۴) تو نیکی می‌کن و در دجله انداز / که ایزد در بیابانت دهد باز

۱۲۲. عین الخطأ في ترجمة الأعداد:

① العاشر: دهمين ② خمسة عشر: پانزده

۱۲۳. عین العدد الترتیبی:

① أول ② واحد

۱۲۴. عین ما یعادِل «۱۴» و «۴۸» في العربية:

① عشرة و أربعة - ثمانية و أربعون

② أربعة عشر - أربعون ثمانية

۱۲۵. عین ما ليس فيه العدد الأصلي:

① إنَّ طول قامة الزرافة ستّة أمتار!

② تبدأ المدارس في إيران في الشهر السابع من السنة!

۱۲۶. عین الخطأ لتكمیل الفراغات:

① تسعون سبعين يساوي عشرين! ناقص

② مئة خمسة يساوي عشرين! تقسيم على

۱۲۷. عین الخطأ للفراغات:

① اليوم من أيام الأسبوع يوم الأحد! اثناني

② عدد أيام شهر «تير» يوماً! واحد و ثلاثون

۱۲۸. عین الصّحیح في عقارب الساعة بالأرقام:

① الأربعة و خامسون دقيقة!

② الرابع و خمس دقائق!

۱۲۹. عین ما ليس فيه العدد الترتیبی:

① راجعت إلى المكتبة خمس مرّات لأخذ كتاباً خاصاً.

② فبدأت بقرائته مرّتين ولكنّي ما فهمته حتّى في المرّة الثانية.

۱۳۰. عین أكبر الأعداد في ما يلي:

① تسعة عشر ② خمسة و ثلاثون

۱۳۱. عین الخطأ عن كتابة الأعداد:

① قدّمت إلى مكتبة الجامعة ثلاثين كتاباً عن الترجمة!

② هناك عشر سيّارات بالقرب من هناك!

۱۳۲. عین الخطأ عن ترجمة الأعداد:

① اثنا عشر: دوازده، مئة و اثنان: صد و دو

② تسعة و ثلاثون: نود و سه، ثلاثة و خمسون: سی و پنج

۱۳۳. عین الخطأ في الترجمة:

① ثمانية أيام: هشت روز، اليوم العشرون: بیستمين روز

② صديق واحد: يك دوست، آلاف عدو: هزاران دشمن

③ ثلاثة و أربعون: سی و چهار ④ الثالث: سوم

③ ستّة ④ سبعة

② عشرة أربع - أربعون و ثمانية

④ أربعة عشر - ثمانية و أربعون

② حول كوكب المريخ قمران اثنان!

④ وصلت إلى سبعة من أهدافي في حياتي حتّى الآن!

② واحد و عشرون ثلاثة يساوي سبعة! ضرب في

④ اثنان و سبعون سبعة يساوي تسعة و سبعين! زائد

② اليوم من الشهر المحرّم هو عاشوراء! العاشر

④ لكلّ سنة أسبوعاً! اثنا عشر

② الرابعة و خمسون دقيقة!

④ الأربع و خمس دقائق!

② و أخيراً رجعت إلى البيت في المرّة السادسة.

④ و بعد أن تأملت فيه كثيراً و في المرحلة العاشرة فهمته جيّداً!

③ ستّة و سبعون ④ واحد و تسعون

② ستّة و عشر من الرجال يشتغلون بالزراعة في القرية!

④ هناك سبعة و عشرون دليلاً لازدياد التوتر النفسي في الجسم!

② ستّة و عشرون: بیست و شش، سبعة عشر: هفده

④ ألف و مئتان: هزار و دوپست، أربعمئة: چهارصد

② الكتاب السابع: كتاب هفتم، ثلاثة عشر فلماً: سیزده فیلم

④ الطابق الرابع: طبقه چهارم، ثمانية موظّفين: هشت تا از کارمندها



(فارج از کشور ۱۹)

طبقه متوسط

۱۳۴. عین ما ليس فيه جمع التکسير:

① من أخلص لله أربعين صباحاً ظهرت بناييع الحكمة من لسانه على قلبه!

② من علامات المؤمن الورع في الخلوة و الصدقة في القلّة!

۱۳۵. عین الصّحیح لتكمیل الفراغين:

«من علّم علماً أو نهرأ أو ترك ولداً له بعد موته وصل إليه أجره حتّى بعد موته!»

① أجرى - يستغفر ② ظهر - يغفر ③ جرى - يتراحم ④ لبث - يستغفر

۱۳۶. عین ما جاء فيه مترادف لـ مفردة «لبث»:

① فاطمة سافرت إلى أصفهان في عطلات عيد النوروز!

③ أمس نزل مطر شديد في طهران!

② أقام أحمد عشر سنوات في محافظة گیلان!

④ المدرسة فرغت من الطلاب في الساعة الثانية!

۱۵۰. عین الخطأ عن العمليات الحسابية:

۱) عشرون في خمسة يساوي مئة!

۲) مئتان تقسيم على عشرة يساوي عشرين!

۱۵۱. عین الخطأ عن استخدام الأعداد:

۱) إنَّ النبيَّ نوح (ع) لبث بين قومه أكثر من تاسعة قرون!

۲) حفظت هذه الأشعار كلها في يومين اثنين!

۱۵۲. عین الخطأ:

۱) هناك ثالثة كتب لم أقرأها حتّى الآن!

۲) حضرت الطالبة الرابعة أيضاً في الصف!

۱۵۳. عین العدد صفة:

۱) كان أحد أصدقائي ضيفنا لمدّة يومين اثنين!

۲) قرأت ليلة أمس سبع مقالات عن الترجمة!

۱۵۴. املأ الفراغات بما يناسبها من الأعداد:

«في حديقة جدّي (٧٠) شجرة به (٣٠) منها شجرة العنب و (٤٠) منها شجرة التفاح!»:

۱) سبعون - ثلاثون - أربعون ۲) سبعون - ثلاثة - أربعة ۳) تسعون - ثلاثون - أربعون ۴) سبعون - نالنون - أربعون

۱۵۵. عین العدد ليس نعتاً (صفة):

۱) اشتريت لك اثني عشر قلماً في ستّة ألوان!

۲) قرأت حتّى الآن فصلين اثنين من كتابنا في الكيمياء!

۲) ستّة عشر زائد خمسة عشر يساوي اثنين و ثلاثين!

۴) ثمانية و سبعون ناقص واحدة و خمسين يساوي سبعة و عشرين!

۲) في شارعنا خمسون بيتاً و ثلاثة و عشرون متجراً!

۴) الدورة السابعة للمسابقات تنعقد بعد أسبوع!

۲) طالعت المقالة الثامنة لهذا العالم!

۴) خرج أحد عشر تلميذاً من الصف!

۲) مرحلة الدكتوراه تستغرق خمس سنوات عادة!

۴) شاهدت في طريقنا اثنا عشر بيتاً صنعت من الخشب!

(تهري ۱۹)

(انسانی ۹۶)

باشگاه مبارزه

۱۵۶. عین الخطأ لتكميل الفراغات:

۱) الكلب يقدر على صوت الساعة من مسافة أربعين قدماً! سماع

۲) إذا كان اثنان فلا تدخل بينهما! يتقاعدان

۳) ترجمت هذا النصّ العربيّ بمعجم مشهور! مُستعينا

۴) الشعب العراقي يحترمون الزّوار و يكرّمونهم. إنهم شعب! مضيف

۱۵۷. عین ما فيه كلمة غريبة من حيث المعنى:

۱) سافرنا إلى جنوب إيران فلبثنا فيها لمدّة سبعة أّيام!

۲) من جزء واحد من الرحمة أنزله الله في الأرض يرحم الخلق!

۳) النملة تقدر على حمل شيء يفوق وزنها خمسين مرّة!

۴) إنّ طعام الاثنين يكفي الثلاثة، كلوا جميعاً و لا تفرّقوا!

۱۵۸. عین الخطأ في قراءة الكلمات:

۱) الخُلْمُ عِنْدَ الْعَصَبِ وَ الْوَرَعُ فِي الْخُلُوةِ مِنْ عِلَامَاتِ الْمُؤْمِنِ!

۲) أَرْبَعَةٌ قَلِيلُهُا كَثِيرٌ، الْفَقْرُ وَ الْوَجْحُ وَ الْعِدَاوَةُ وَ النَّارُ!

۳) ما أَجْمَلَ عَمَلٍ مَنْ يُنْفِقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ!

۴) يَجْرِي أَجْرُ اسْتِغْفَارِ الْوَالِدِ لِلْوَالِدَيْنِ بَعْدَ مَوْتِهِمَا!

۱۵۹. «سبعة و أربعون في المئة من طلاب مدرستنا أنتخبوا حتّى يشتركوا في المرحلة الثانية للمسابقات العلمية!»:

۱) چهل و هفت درصد از دانش‌آموزان مدرسه‌مان انتخاب شدند تا در دومین مرحله مسابقات علمی شرکت نمایند!

۲) هفتاد و چهار درصد از دانش‌آموزان مدرسه ما انتخاب شدند که در مرحله دوم مسابقه علمی شرکت کنند!

۳) چهل و هفت نفر از دانش‌آموزان در مدرسه ما برگزیده شدند تا در دو مرحله از مسابقات علمی شرکت نمایند!

۴) چهل و هفت درصد از دانش‌آموزان مدرسه برگزیده شدند که در دو مرحله از مسابقات علمی شرکت کنند!

۱۶۰. «ما أجمل عمل من يعمل بما يقول و ينصح الآخرين بكلامه الطيب!»:

۱) زیباست کار هر کس که عمل می‌کند به آنچه می‌گوید و نصیحتش به دیگران با سخنی نیکوست!

۲) کار کسی که به گفته‌هایش عمل می‌کند و دیگران را با سخن نیکویش پند می‌دهد، چه زیباست!

۳) چه زیباست کار آن‌که به آنچه می‌گوید، عمل می‌نماید و دیگران را با سخن نیکوی خود پند می‌دهد!

۴) کار آن‌که به هر چه گفته عمل می‌کند و دیگران را با سخن نیکو موعظه می‌نماید، چه زیباست!

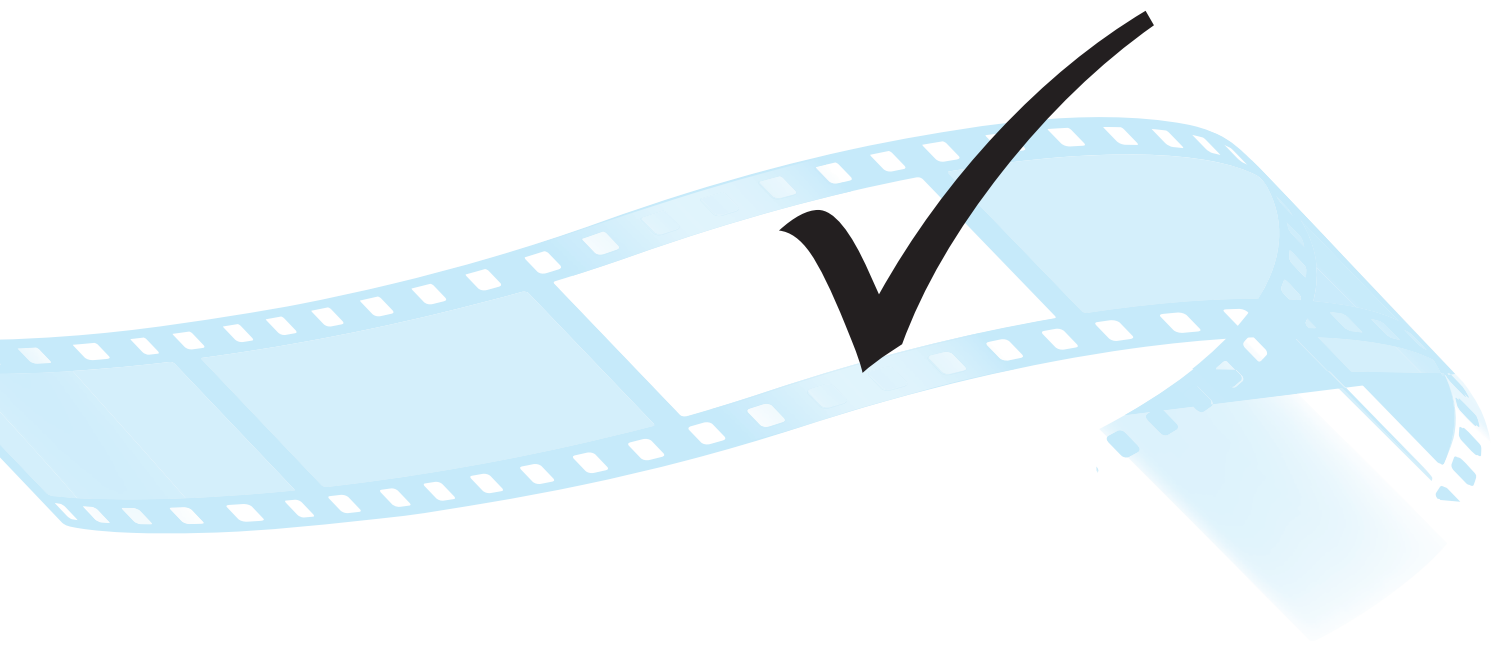
۱۶۱. «هؤلاء رجال كانوا يعيبون أصدقاءهم و يسخرون منهم فما أقبح عملهم!»:

۱) اینان مردانی بودند که از دوستانشان عیب می‌گرفتند و آن‌ها را مسخره می‌کردند؛ چه زشت است این کارشان!

۲) این مردان از دوستان خود عیب می‌گرفتند و آن‌ها را ریشخند می‌کردند؛ کار آن‌ها بسیار زشت است!

۳) این‌ها مردانی هستند که از دوستان خود با تمسخر عیب می‌گیرند؛ کار ایشان چه زشت است!

۴) این‌ها مردانی هستند که از دوستانشان عیب می‌گرفتند و ایشان را مسخره می‌کردند؛ چه زشت است کار آن‌ها!



اراده انسان و توانایی‌هایش (۲) جملات طلایی (۳) مطابقت علم و عمل (۴) اعتماد به نفس

۱۰۶. **گزینه ۲** «ترجمه عبارت سؤال: «یکی انسان کار مهمتی را از پیش نمی‌برد!»، ترجمه گزینه‌ها: (۱) اگر در کاری شکست بخورد. (۲) هنگام تکیه به غیر خود (۳) هنگام پرداختن به کارهای کوچک (۴) هنگامی که در زندگی‌اش تغییر کند.

۱۰۷. **گزینه ۲** «مفهوم اصلی متن ... است» ترجمه گزینه‌ها: (۱) کار امروز را به فردا به تأخیر نینداز. (۲) خارت را با دست خودت یکن. (۳) بردباری، کلید گشایش است. (۴) بی‌گمان، در پس هر سختی، آسانی هست.

ترجمه متن دو ۳:

تقلید یکی از وسایل آشنایی با چیزهای جدید است. شاید قدیمی‌ترین ایده‌ای که از طریق تقلید به ذهن انسان خطور کرده، ایده‌ای است که به ذهن قابیل رسید، زمانی که قصد پنهان کردن جسد برادر مرده‌اش را داشت ولی در کارش حیران بود. در این هنگام، دو پرنده را دید که یکی از آنها دیگری را کشت و با منقارش زمین را کند و آن را زیر خاک قرار داد. تقلید در تولید تکنولوژی جدید هم نقش بزرگی داشته است؛ مثلاً ایده پرواز با تقلید از پرواز پرندگان به ذهن «عباس بن فرناس» از متولدان اندلس در قرن نهم خطور کرد.

۱۰۸. **گزینه ۳** «ترجمه عبارت سؤال: «سبب تحیر قابیل بود.» ترجمه گزینه‌ها: (۱) کشتن برادرش و پیروزی بر او (۲) ناتوانی در تقلید از پرندگان (۳) ندانستن چگونگی دفن برادرش (۴) دیدن توانایی حیوانات و احساس به ضعف خودش

۱۰۹. **گزینه ۳** «ترجمه عبارت سؤال: «در پایان دعوی دو پرنده قابیل چه چیزی یاد گرفت؟ چگونگی را یاد گرفت.» ترجمه گزینه‌ها: (۱) کندن چاه (۲) دعوا و درگیری (۳) دفن مرده‌ها (۴) پنهان کردن نیت‌ها

۱۱۰. **گزینه ۳** «ترجمه گزینه‌ها: (۱) انسان از طبیعت برای بهبود وضع زندگی‌اش بهره می‌برد. (۲) حیوانات توانایی‌هایی دارند که انسان می‌تواند از آن‌ها بیاموزد. (۳) تقلید کردن بین انسان و طبیعت، کار روتین و نرمالی است. (۴) انسان باید به چشم پند گرفتن به دنیا نگاه کند.

۱۱۱. **گزینه ۴** «ترجمه عبارت سؤال: «متن دلالت دارد بر اینکه» ترجمه گزینه‌ها: (۱) غربی‌ها هواپیما را اختراع کردند. (۲) انسان نمی‌تواند مانند حیوانات مرده‌هایش را دفن کند. (۳) تقلید، قدرت عقل و تفکر و توانایی‌های انسان را از بین می‌برد. (۴) انسان توانایی یادگیری حتی از حیوانات را دارد.

۱۱۲. **گزینه ۲** «الجلیم» به معنای «بردباری» است.

۱۱۳. **گزینه ۴** «متضادّ «عَرَسَ: کاشت» می‌شود «حَصَدَ: دور کرد» مترادف «عَرَسَ» «رَزَعَ: کاشت»

بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) قَامَتْ = نَهَضَتْ: برخاست (۲) أُرْسِلَ = بَعَثَ: فرستاد (۳) المصاییح: جمع مکسر «المصباح: چراغ»

۱۱۴. **گزینه ۳** «شاه کلیدهای این سؤال: ۱- كُنْتُ تعلیمین: می‌دانستی؛ کان + مضارع: «ماضی استمراری» با این «۱» و «۲» را رد می‌کنیم. ۲- «ثمانین فی المئة: هشتاد درصد» که گزینه‌های «۲» و «۴» رد می‌شوند. توضیح بیش‌تر این که در گزینه «۱» «از» دومی و در گزینه «۴» «کل» اضافی‌اند! (قانون حذف و اضافه)

۱۱۵. **گزینه ۱** «إِذَا» یعنی «هرگاه، اگر» (رد سایر گزینه‌ها: «لَمَّا، حینما: زمانی که، هنگامی که»، «کان یتناجیان: نجوا می‌کردند، با هم راز می‌گفتند.» (رد گزینه‌های «۲» و «۳»)، «لَا تَدْرُكُ» به معنای «وارد نشو» است. ضمناً در ترجمه فعل نهی مخاطب از لفظ «نباید» استفاده نمی‌کنیم. (رد گزینه‌های «۲» و «۴»)

۱۱۶. **گزینه ۲** «مَنْ» ابتدای جمله را، اگر ساختار شرطی ایجاد کند، غالباً

به‌صورت «هرکس» ترجمه می‌کنیم. برای این که دلمان قرص شود، برویم دنبال دلایل محکمه پسندتری بگردیم. می‌بینید «جاء» با حرف «ب» همراه شده؟! حُبْ! این یعنی «بیاورد» نه «بباید» (به‌خاطر ساختار شرطی عبارت فعل ماضی را به‌صورت مضارع ترجمه می‌کنیم) پس گزینه‌های «۱» و «۳» غلط‌اند، «عشر» هم یعنی «ده» نه «ده‌ها» که گزینه‌های «۳» و «۴» نادرست ترجمه‌اش کرده‌اند («ده‌ها» می‌شود «عشرات». اگر تست‌ها را تا آخر حل کنید، به «ده‌ها» هم می‌رسید!). ضمناً «جزا» در گزینه «۳» وصلهٔ اضافی است!

۱۱۷. **گزینه ۱** «ترجمه کلمات مهم: «أربعة و خمسون من المشارکین: پنجاه و چهار نفر از شرکت کنندگان»، «ستتعتقد: برگزار خواهد شد»

بررسی سایر گزینه‌ها: (۲) چهل و پنج (پنجاه و چهار: در عددی دو رقمی عربی، اول یکان را می‌نویسند بعد دهگان را). حواستان باشد، «النهائیه» ترجمه نشده، برگزار می‌شود (برگزار خواهد شد: «ست + مضارع: مستقبل»)

(۳) پنجاه و چهار درصد (مانند گزینه «۲»): «درصد» را از کجا آورده؟! مگر «فی المئة» داریم؟!، روز بعد (دو روز بعد: «یومین» متناست! مثلاً)

(۴) چهل و پنج درصد (مانند گزینه «۲»). «قرار است» وصلهٔ زائد است، برگزار شود (مانند گزینه «۲»)

۱۱۸. **گزینه ۲** «الخامسة» عدد ترتیبی است؛ پس «الصفحة الخامسة: صفحه پنجم، پنجمین صفحه» و «نقطة: نکته» مفرد است. دوستان لطفاً عددی‌های به کار رفته در گزینه‌های دیگر را ببینید!

۱۱۹. **گزینه ۳** «بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) عشرة (عشرون: «عشرة: ده»، ما كانوا حاضرین (ما حضروا: «كان: بود») (۲) عشرون (عشرون في المئة)، لا يحضرون (ما حضروا: حاضر نشدند» فعل ماضی منفی است. (۴) عشرة (مانند گزینه «۲»)، لیسوا حاضرین (مانند گزینه «۲»)

۱۲۰. **گزینه ۴** «وقتی در صورت سؤال کلمه پرسشی «کم: چند» بیاید، در جواب باید از عدد (اصلی) استفاده کنیم؛ پس مثلاً در جواب «چند بار به شیراز آمده‌ای؟!» باید می‌گفت: «ثلاث مرّات: سه بار»، نه اینکه بگوید: «قبل سنوات: سال‌ها پیش!» بقیه گزینه‌ها درست‌اند فقط ترجمه‌شان را ببینید!

(۱) آیا جنابعالی (شما) اهل عراقید؟! نه، من لبنانی‌ام! (۲) آیا قبلاً به ایران رفته‌ای؟! متأسفانه نه! (۳) ستّ چه قدر است (چند سالت است؟! بیست و هشت سال!

۱۲۱. **گزینه ۳** «ترجمه عبارت سؤال: «هرکس یک نیکی بیاورد، ده برابرش از آن اوست.» مفهومش این است که پاداش یک نیکی در نزد خدا، بیش‌تر از یک نیکی است. گزینه ۳ دقیقاً به این موضوع اشاره دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) درباره بهتر بودن به جا ماندن نام نیک نسبت به ثروت حرف زده! (۲) دربارهٔ لطف و آمرزنده بودن خداوند صحبت کرده! (۴) این گزینه هم به نوعی مفهوم عبارت سؤال را می‌رساند اما حرفی از بیش‌تر شدن اجر کار نیک حرفی نروده! سؤال هم که «نزدیک‌ترین» مفهوم را خواسته!

۱۲۲. **گزینه ۳** «گفتم که برای نوشتن اعداد دو رقمی در عربی اول، یکان می‌آید بعد دهگان: ثلاثة و أربعون: چهل و سه»

۱۲۳. **گزینه ۱** «یک نکتهٔ ریز! عددی ترتیبی غالباً بر وزن «فَاعِل» می‌آیند به جز «أول: یکم، یکمین» و ادامه اینکه «واحد: یک» با اینکه بر وزن «فَاعِل» است اما عدد اصلی حساب می‌شود. «ستّه: شش» و «سبعة: هفت» هم که از اعداد اصلی‌اند.

۱۲۴. **گزینه ۴** «برای نوشتن اعداد «۱۱ تا ۱۹» نیازی به «و» نیست. البته

۱۳۲. **گزینه ۴** در درسنامه ترجمه گفتیم که معدود تحت هر شرایطی در فارسی به صورت مفرد ترجمه می‌شود؛ حتی اگر در عربی جمع باشد. پس «ثمانیه موظفین: هشت کارمند» درست است.

۱۳۴. **گزینه ۳** بررسی گزینه‌ها: (۱) منابع ← مفرد ← ینبوع: چشمه، جوی پر آب (۲) أبواب ← مفرد ← باب: در (۳) علامات ← مفرد ← علامة: نشانه (این کلمه جمع مؤنث سالم است.) (۴) أمتار ← مفرد ← متر: متر

۱۳۵. **گزینه ۱** «هرکس دانشی را یاد بدهد یا رودی را یا فرزندی به جا بگذارد که بعد از مرگش برایش اجرشان حتی پس از مرگش به او می‌رسد.» ترجمه گزینه‌ها: (۱) جاری کند - طلب آموزش کند (۲) پدیدار شود - بیامرزد (۳) جاری شود - به هم مهربانی کنند (۴) بماند - طلب آموزش کند

۱۳۶. **گزینه ۲** سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن مترادف کلمه «لبت: درنگ کرد، ماند، اقامت کرد» آمده باشد. بگردیم دنبال فعل‌ها در گزینه‌ها: (۱) «سافرت: مسافرت کرد» (۲) «أقام: ماند، اقامت کرد» خودش است! (۳) «تَزَلَّ: نازل شد.» (۴) «فرغت: خالی شد.»

۱۳۷. **گزینه ۳** ترجمه کلمات مهم: «مَن: هرکس»، «أَخْلَصَ: مخلص شود»، «أربعین: چهل»، «ظَهَرَ: پدیدار می‌شوند» بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) بهتر است «من» به صورت «هرکس» ترجمه شود، خودش را با اخلاص کند (مخلص شود)، پروردگارش (خداوند، الله)، جاری می‌گردند (پدیدار می‌شوند) (۲) چهار (چهل): «أربعة: چهار»، چشمه (چشمه‌ها: «ینابیع» جمع است.) جاری می‌شود (مانند گزینه «۱») کسی که (مانند گزینه «۱»)، روز (صبح)، پدیدار می‌کند (پدیدار می‌شوند: «ظَهَرَ» فعل لازم است.)

۱۳۸. **گزینه ۳** اول حواستان باشد که «من» در این عبارت دلالت بر شرط ندارد و «لمن» یعنی برای کسی هست، کسی که دارد.» و این‌ها (رد گزینه ۲). دوم این که «جاء» با «ب» آمده (جاء بالحسنات) و معنای آورد، آورده است می‌دهد و دلیلی ندارد به صورت مضارع ترجمه شود (رد گزینه‌های ۱ و ۲). سوم این که «قلب سلیم: قلب سلیمی، قلبی سلیم» ضمیر ندارد (رد گزینه ۴) و بالاخره این که «داشته باشد» و «مهتاست» در گزینه‌های ۱ و ۴ اضافی اند.

۱۳۹. **گزینه ۳** یک چیزی گفتیم در درسنامه ترجمه که موصولات (الذی، الّتی و ...) را بعد از اسم‌های «ال» دار به صورت «که» ترجمه کنید. یادتان که هست؟! الآن «المشقات الّتی» را ببینید، باید ترجمه شود: «سختی‌هایی (مشقاتی) که». فقط گزینه ۳ درست ترجمه‌اش کرده! بقیه موارد را هم بررسی کنیم: «تَحَمَّلْتُ: تحمل کردم» (رد گزینه‌های ۱ و ۴)، «التقدّم: پیشرفت، ترقی» (رد گزینه ۱)، «تبدو: به نظر می‌آید» (رد گزینه ۲)

۱۴۰. **گزینه ۲** «ثلاثة» عدد اصلی است نه ترتیبی؛ پس «ثلاثة أسئلة» باید به صورت «سه سؤال» ترجمه شود!

۱۴۱. **گزینه ۲** بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) «جاء ب» را باید به صورت «آورده است» ترجمه کنیم نه «با آن آمده است!» (۳) «أربعین» یعنی «چهل» (أربعة: چهار) گفتیم که ساختار «ما أفعل» را با توجه به سیاق عبارت به صورت تعجّبی ترجمه می‌کنیم. (ما أجمَل: چه زیباست!)

۱۴۲. **گزینه ۳** «هفت» عدد اصلی است و برای شمارش به کار می‌رود ← سبع (رد گزینه‌های «۱» و «۴»: «السابعة: هفتم»، «خواندم» ماضی است ← قرأت (رد گزینه «۲»)، «آن» ← ذلك، ذاك (رد گزینه‌های «۲» و «۴»)، «سومین» عدد شمارشی است: الثالث (رد سایر گزینه‌ها)

۱۴۳. **گزینه ۱** از همان مکالمه ساده کتاب هم می‌شود سؤال پیچیده داد. سؤال یک سری جمله آورده پشت سر هم و در گزینه‌ها سؤال‌هایی را پرسیده و گفته که جواب کدام سؤال در عبارت‌های سؤال نیامده! اول کل عبارت سؤال را ترجمه کنیم:

گزینه‌های «۱» و «۲» عدد «۱۴» را کلاً اشتباه نوشته‌اند! به هر حال «۴۸» دو رقمی است که اولاً باید حتماً «و» باید در نوشتنش، ثانیاً در اعداد معطوف ابتدا یکان می‌آید بعد دهگان: «چهل و هشت: ثمانیه و أربعون!»

۱۲۵. **گزینه ۳** «السابع» بر وزن «فاعل» آمده، «ال» هم گرفته و معنای عدد ترتیبی هم که می‌دهد (الشهر السابع: ماه هفتم، هفتمین ماه). در سایر گزینه‌ها به ترتیب «سّته: شش»، «إثنان: دو» و «سبعة: هفت» جزء دار و دسته اعداد اصلی‌اند!

۱۲۶. **گزینه ۲** باید ریاضی‌تان خوب باشد! البته ساده نوشتن محاسباتش را! بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) نود منهای هفتاد برابر است با بیست (۲۰=۷۰-۹۰) / (۲) بیست و یک ضرب در سه برابر است با هفت. * (در جای خالی باید «تقسیم علی: تقسیم بر» بیاید ۷=۳×۲۱) / (۳) صد تقسیم بر پنج برابر است با بیست. (۲۰=۱۰۰÷۵) / (۴) هفتاد و دو به علاوه هفت برابر است با هفتاد و نه. (۷۹+۷=۷۲)

با این سؤال می‌خواستم چهار عمل اصلی ریاضی در عربی را یاد آوری کنید و آماده شوید برای تست‌های خفن در بخش‌های بعدی!

۱۲۷. **گزینه ۴** گزینه «۴» می‌گوید که هر هفته «اثنان عشر: دوازده» هفته دارد! حُب! طبیعتاً غلط است! هر سال حدوداً «اثنان و خمسون: پنجاه و دو» هفته دارد!

بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) روز دوم از روزهای هفته، روز یکشنبه است. (منطقی‌اش که درست است. بعد اینکه «الثانی» عدد ترتیبی است. می‌بینید؟! کاربردش همین جاهاست!) (۲) روز دهم از ماه محرّم، عاشورا است. (۳) تعداد روزهای ماه تیر، سی‌ویک روز است.

تمرین عددخوانی است این نوع سؤال‌ها و البته کمی اطلاعات عمومی!

۱۲۸. **گزینه ۲** آقا ساعت دارد «۴:۵۰» را نشان می‌دهد. قرار شد برای بیان عقربه کوچک (ساعت) از عدد ترتیبی مؤنث و برای بیان دقیقه از عدد اصلی استفاده کنیم: ۴:۵۰ ← الرابعة و خمسون دقیقه! اشتباهات دیگر گزینه‌ها خیلی نابولاند! دست خودتان را می‌بوسند!

۱۲۹. **گزینه ۲** هول نکنید تا تست کنکور می‌بینید! اتفاقاً تست‌های کنکور واقعاً دشوار نیستند! قیلق دارند! اول صورت سؤال را خوب بفهمیم! گزینه‌ای را می‌خواهد که عدد ترتیبی نداشته باشد! «خَمْس» در گزینه ۱ یعنی «پنج» و عدد اصلی است! به همین راحتی! حتی قیلق هم نمی‌خواست این یکی. سریع بقیه گزینه‌ها را ببینید: «السادسة: ششم، الثانیة: دوم، العاشرة: دهم» همه‌شان عدد ترتیبی‌اند!

۱۳۰. **گزینه ۴** سؤال بزرگ‌ترین عدد را می‌خواهد. حواستان باشد که در عددهای معطوف عربی، اول یکان می‌آید و بعد دهگان! گول نخورید! ترجمه گزینه‌ها:

(۱) نوزده (۲) سی و پنج (۳) هفتاد و شش (۴) نود و یک

۱۳۱. **گزینه ۲** برای نوشتن اعداد دو رقمی «۲۱ تا ۹۹» از «و» استفاده می‌کنیم. از «۱۱ تا ۱۹» نیازی نیست «و» بیاوریم: «سّته عشر: شانزده»

۱۳۲. **گزینه ۳** انقدر تکرار می‌کنم که ملکه ذهنتان شود. در عربی - برعکس فارسی خودمان - در نوشتن عددهای ۲۱ تا ۹۹، اول یکان را می‌آورند بعد دهگان را. در خواندنشان حواستان باشد.

با این اوصاف: «تسعة و ثلاثون: سی و نه» و «ثلاثة و خمسون: پنجاه و سه»



«ملت ایران مهمان نوازند! من در استان تهران سکونت دارم! برای بار پنجم آمدم! بیست سالم است! نه؛ من ایرانی‌ام!» حالا سؤال‌ها را ترجمه کنیم ببینیم کدامشان بی‌پاسخ است:

۱) آیا پیش از این به ایران آمده‌ای؟! (این سؤال در جواب‌ها پاسخی ندارد. ببینید عبارت «جئت للمّة الخامسة» را نمی‌توانیم جواب این سؤال حساب کنیم؛ اول این که در جواب «هل» غالباً «نعم» و «لا» می‌آید. دوم این که اگر در صورت سؤال «کم مّزة: چند بار» داشتیم آن وقت پاسخمان مناسبش بود.)

۲) دوست من، چند سالت است؟ (عشرون عاماً)

۳) ایران را چگونه یافتی؟ (مضيفاً)

۴) کجا سکونت داری؟ (محافظة طهران)

۱۴۴. **گزینه ۲** «ترجمه عبارت سؤال»، «غذای یک نفر برای دو نفر و غذای دو نفر برای سه نفر کافی است.» این عبارت در معنای ظاهری به «خیر و برکت در جماعت» و در معنای باطنی به «اتحاد» اشاره دارد.

ترجمه گزینه‌ها، ۱ بالای هر دارای دانشی، دانایی هست. همان «دست بالای دست بسیار است.» ۲) بی‌گمان برکت، همراه جماعت است. ۳) بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید. ۴) تنهایی بهتر از جماعت (گروه) است.

۱۴۵. **گزینه ۴** «سه» عدد اصلی است و معدود عددهای «سه تا ده» به صورت جمع می‌آید (ثلاثة كتب). پس گزینه‌های «۱» و «۳» غلطاند. از طرفی «بنجمین» عدد «ترتیبی» است (الطالب الخامس) که در گزینه‌های «۲» و «۳» اشتباه آمده! حواستان باشد که «خمسة طلاب: پنج دانش‌آموز»

۱۴۶. **گزینه ۱** اول اینکه «هفتاد و پنج: خمسة و سبعون» (اول یکان و بعد دهگان) که گزینه «۳» برعکس آورده، گزینه «۴» هم که از بیخ و بن اشتباه است و «سبعة و خمسون» در گزینه «۲» یعنی «پنجاه و هفت!» برویم سراغ «هفده خانه!» عدد اصلی می‌خواهد که فقط در گزینه «۱» (سبعة عشر) آمده! «بیّنّا» هم به‌عنوان معدودش به صورت مفرد آمده (چرا؟!)

۱۴۷. **گزینه ۲** اگر جاهای خالی را ببینید صفت می‌خواهیم؛ یعنی عددی برای بیان ترتیب و این‌ها! پس سر و کارمان با اعداد ترتیبی است. در حقیقت سؤال می‌خواهد بگوید: «روز سیزدهم، ماه هشتم!» فقط در گزینه «۲»، دو عدد ترتیبی «الثالث عشر، الثامن» آمده (گفتیم که اعداد ترتیبی غالباً بر وزن «فاعل» می‌آیند). ترجمه عبارت سؤال: «روز سیزدهم از ماه هشتم سال، روز دانش‌آموز نامیده می‌شود.»

۱۴۸. **گزینه ۲** عملیات ریاضی‌ست و چیز خاصی نیست! فقط حواستان باشد عددها را درست بخوانید. سؤال یک عبارت داده و گفته حاصلش کدام نمی‌شود.

ترجمه عبارت سؤال: «هفت ضرب در هشت برابر است با»

$$7 \times 8 = 56$$

بررسی سایر گزینه‌ها، ۱ شصت منهای چهار (۶۰-۴=۵۶) دو ضرب در هجده $\times (2 \times 18 = 36)$ ۳) پنجاه و شش ۴) صد و دوازده تقسیم بر دو (۲۱۱ \div 2 = 56)

۱۴۹. **گزینه ۲** «ترجمه عبارت سؤال»، «در شرکت ما پنج طبقه هست و در هر طبقه، چهارده کارمند کار می‌کنند. بیست درصد از کارمندا خانم هستند. تعداد مردها در شرکت ما چند نفر است؟»

اول محاسبات ریاضی کنیم:

$$5 \times 14 = 70 \text{ تعداد کل کارمندان}$$

$$\frac{20}{100} \times 70 = 14 \text{ تعداد کارمندان زن}$$

$$70 - 14 = 56 \text{ تعداد کارمندان مرد}$$

البته می‌توانستیم تعداد کارمندان مرد را این‌طوری هم حساب کنیم:

$$\frac{80}{100} \times 70 = 56$$

ترجمه گزینه‌ها، ۱ هفتاد ۲) چهارده ۳) پنجاه و شش ۴) شصت و پنج

۱۵۰. **گزینه ۲** «ترجمه و بررسی گزینه‌ها، ۱» بیست ضرب در پنج برابر است با صد (۲۰ \times 5 = 100) ۲) شانزده به‌علاوه پانزده برابر است با سی و دو $\times (16 + 15 = 31)$ ۳) دویست تقسیم بر ده مساوی است با بیست (۲۰۰ \div 10 = 20) ۴) هفتاد و هشت منهای پنجاه‌ویک برابر است با بیست‌وهفت (78 - 51 = 27)

۱۵۱. **گزینه ۱** «بررسی گزینه‌ها، ۱» از ترجمه پیداست که عدد برای شمارش به کار رفته. پس «تسعة: نه» درست است نه «تاسعة: نهم»: «تسعة: قرون: نه قرن» ۲) اعداد برای شمارش به کار رفته و صحیح‌اند: «خمسون بیّنّا: پنجاه خانه»، «ثلاثة و عشرون متجرًا: بیست و سه مغازه» ۳) عددهای «یک و دو» اصلی بعد از معدود می‌آیند: «یومین اثنین: دو روز» ۴) عدد برای بیان رتبه به کار رفته (عدد ترتیبی): «الدورة السابعة: مرحله هفتم»

۱۵۲. **گزینه ۱** آقا گزینه «۱» می‌خواهد بگوید «سه کتاب» یعنی باید عدد شمارشی به کار برود. «ثلاثة: سوم» عدد ترتیبی است و باید به جایش از «ثلاثة» استفاده می‌شد.

بررسی سایر گزینه‌ها، ۲ المقالة الثامنة: مقاله هشتم (الثامنة: به‌عنوان عدد ترتیبی درست به کار رفته) ۳) الطالبة الرابعة: دانش‌آموز چهارم («الرابعة» به‌عنوان عدد ترتیبی درست به کار رفته) ۴) أحد عشر تلميذًا: یازده دانش‌آموز (برای شمارش از عدد اصلی استفاده شده)

۱۵۳. **گزینه ۱** کدام عددها می‌توانند صفت شوند؟ الف) عددهای «یک و دو» اصلی ب) عددهای ترتیبی

بررسی سایر گزینه‌ها، ۱ «اثنین» عدد اصلی «دو» است و صفت شده! حواستان به این «یک و دو» اصلی باشد. می‌بینید که برعکس بقیه عددهای اصلی بعد از معدودشان می‌آیند. ۲) «خمس» در «خمس سنوات: پنج سال» عدد اصلی است و صفت نمی‌شود! ۳) «سبع» در «سبع مقالات: هفت مکالمه» عدد اصلی است و صفت نمی‌شود! ۴) «اثنا عشر» در «اثنا عشر بیّنّا: دوازده خانه» عدد اصلی است و صفت نمی‌شود!

۱۵۴. **گزینه ۱** «سابعون، ثالثون، رابعون» وجود خارجی ندارند. ضمناً «تسعون: نود»، «ثلاثة: سه» و «أربعة: چهار»

۱۵۵. **گزینه ۱** «نعت» همان صفت است! چند سوال قبل‌تر گفتیم کدام عددها می‌توانند صفت شوند. «اثنتي عشر» در «اثنتي عشر قلمًا: دوازده مداد» صفت نیست! **بررسی سایر گزینه‌ها،**

۲) «الثالث» در «ابنك الثالث: سومین پسر» عدد ترتیبی و صفت است.

۳) گفتیم که عددهایی «یک و دو» اصلی هم می‌توانند صفت شوند. «اثنین» در «فصلین اثنین: دو فصل» صفت است. (هرچند معنای وصفی نمی‌دهد!)

۴) «ثالثة» در «مباراة ثالثة: سومین مسابقه» عدد ترتیبی و صفت است!

۱۵۶. **گزینه ۲** «ترجمه و بررسی گزینه‌ها، ۱» سگ قادر به شنیدن صدای ساعت از فاصلهٔ چهل قدمی است. ۲) هرگاه دو نفر بازنشسته می‌شدند، میان آن‌ها وارد نشو. (واژهٔ صحیح برای جای خالی «یتناجیان: با هم راز می‌گفتند» است.) ۳) این متن عربی را به کمک واژه‌نامه‌ای معروف ترجمه کردم. ۴) ملت عراق به زائران احترام می‌گذارند و آن‌ها را گرمای می‌دارند. آن‌ها ملّتی مهمان دوست هستند.

۱۵۷. **گزینه ۳** «ترجمه گزینه‌ها، ۱» به جنوب ایران سفر کردیم و آن‌جا به مدت هفت روز اقامت گزیدیم. ۲) مورچه می‌تواند چیزی را حمل کند که پنجاه برابر وزنش است. ۳) از یک جزء از مهربانی که خداوند آن را به زمین

۱۶۴. **گزینه ۴** «بررسی سایر گزینه‌ها: ۱) «جاؤوا بی» یعنی «آوردند» (جاء: آمد، جاء بی: آورد) ۲) «قام بی» معنای «انجام دادن، پرداختن» می‌دهد نه «بلند شدن». ضمناً جای «معلمشان» در ترجمه اشتباه است. ۳) «أول» عدد ترتیبی است نه اصلی (أول بلاد: اولین کشوری است که ...) ضمناً «استخدمت» یعنی «استفاده کرده است»!

۱۶۵. **گزینه ۲** «این سؤال و دو سؤال بعدش پر از عددند!»

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱) «أخي الأصغر: برادر کوچکترم» (در ترجمه اسم‌های بر وزن «أفعل» از «تر،ترین» استفاده می‌کنیم، «فصلاً واحداً: یک فصل» («واحداً» عدد اصلی است نه ترتیبی) ۳) «عشر آیات: ده آیه» («عشر» عدد اصلی است نه ترتیبی)، «السورة الثالثة: سوره سوم»، «الثلاثة» عدد ترتیبی است نه اصلی) ۴) «تلمیذاتان اثنتان: دو دانش‌آموز «اثنتان» عدد اصلی است نه ترتیبی. ضمن اینکه «شرکت‌کننده» اضافی است.

۱۶۶. **گزینه ۳** «بررسی سایر گزینه‌ها: ۱) «الحصة الرابعة: زنگ چهارم» («الرابعة» عدد ترتیبی)، ضمناً «تختص» فعل مضارع است. ۲) «تلمیذاتان: دو دانش‌آموز» («اثنتان» عدد اصلی) ضمناً «شرکت‌کننده» اضافی است. ۴) «تسعة» یعنی «نه» (سبعة: هفت)، «أحد أصدقاتي: یکی از دوستانم»

۱۶۷. **گزینه ۱** «بررسی سایر گزینه‌ها: ۲) «كان قد سافرا: مسافرت کرده بودند»، «ثلاث مرات: سه بار» (ثلاث ← عدد اصلی) ۳) «ثمانية أبيات: هشت بیت» (ثمانية ← عدد اصلی)، «الدیوان الرابع: دیوان چهارم» ۴) «اليوم السادس: روز ششم» (السادس ← عدد ترتیبی)

۱۶۸. **گزینه ۴**

پنجاه و هشت: ثمانیة و خمسون

۱۶۹. **گزینه ۴** «ترجمه عبارت سؤال: «هر رازی که از دو نفر بگذرد، بین همه بخش می‌شود.» ترجمه و بررسی گزینه‌ها:

۱) تجسس (فضولی) نکردن در کارهای دیگران (که خب بی‌ربط است). ۲) این گزینه به این موضوع اشاره دارد که همه جا گوش‌های تیزی هستند که تا از حرف‌های خصوصی انسان آگاهی پیدا کنند. مفهومش کمی از صورت سؤال دور است. ۳) بشنو و باور نکن. (واضح است که ارتباطی به عبارت سؤال ندارد.) ۴) این گزینه دقیقاً مفهوم عبارت سؤال را بیان کرده!

۱۷۰. **گزینه ۳** «بررسی گزینه‌ها: ۱) «هرکس یک نیکی بیاورد، ده برابرش از آن اوست.» (آیه شریفه به سود معامله با خداوند اشاره دارد اما شعر فارسی به تأثیر اعمال انسان بر خودش اشاره کرده!) ۲) «هرگاه دو نفر نجوا می‌کردند، میان آن‌ها وارد نشو.» (عبارت عربی به فضولی نکردن در کار دیگران اشاره کرده، اما شعر فارسی گفته که حواست باشد رازت را با کسی در میان نگذاری.) ۳) «عالم بی‌عمل همانند درخت بدون میوه است.» (هر دو عبارت عربی و فارسی به لزوم همراهی سخن و عمل اشاره دارند.) ۴) «هرچه از خوبی انجام دهید آن را نزد خداوند می‌یابید.» (آیه شریفه به ضایع نشدن کارهای نیک نزد خداوند اشاره کرده اما شعر فارسی بیان کرده با خلق الله مهربان باشیم و به آن‌ها خوبی کنیم.)

۱۷۱. **گزینه ۱** «در این گزینه شمارش مدنظر است که به درستی از عدد اصلی «سبعة» استفاده شده. (سبعة أفراد: هفت نفر)

بررسی سایر گزینه‌ها: ۲) این گزینه می‌خواسته بگوید «دو خواهر» که باید از عدد ترتیبی استفاده می‌کرد. (بنات اثنتان) ۳) منظورش «پسر سوم» بوده که باید از عدد ترتیبی استفاده می‌کرد. (الابن الثالث) ۴) چون شمارش مد نظرش بوده باید از عدد اصلی استفاده می‌کرد. (أربع مجلات: چهار زمینه)

۱۷۲. **گزینه ۳** «حُب! کم، چند، چه قدر» کلمه پرسشی است که در جوابش عدد (و آن هم عدد اصلی) می‌آید. وقتی می‌گوید «کم ضیفاً فی البيت؟ چند

نازل کرده، آفریدگان می‌بخشایند. (واژه درست برای جای خالی: «یتراحم: به هم مهربانی می‌کنند» است.) ۴) غذای دو نفر برای سه نفر کافی است، همگی بخورید و پراکنده نشوید.

۱۵۸. **گزینه ۱** «در این گزینه «الجم: بردباری» صحیح است نه «الحلم: رویا»: «بردباری هنگام عصبانیت و پرهیزگاری در خلوت از نشانه‌های مؤمن‌اند.» ترجمه سایر گزینه‌ها: ۲) «چه زیباست کار کسی که در راه خداوند انفاق می‌کند.» ۳) «چهار چیز کمشان هم زیادند: فقر، درد، دشمنی و آتش.» ۴) «اجر طلب آموزش فرزند برای پدر و مادر بعد از مرگشان هم جاری است.»

۱۵۹. **گزینه ۱** «ترجمه کلمات مهم: «سبعة و أربعون فی المئة: چهل و هفت درصد»، «حتی بیشتر کوا: تا شرکت کنند»، «المرحلة الثانية: دومین مرحله، مرحله دوم.»

بررسی سایر گزینه‌ها: ۲) هفتاد و چهار (چهل و هفت: هفتادوچهار: أربعة و سبعون)، که (تا؛ حتی) یعنی «تا!» «أن» معنای «که» می‌دهد. مسابقه (مسابقات: «المسابقات» جمع است.) ۳) نفر (درصد: «فی المئة: درصد»). «در» اضافی است. دو مرحله (مرحله دوم، دومین مرحله: «الثانية» عدد ترتیبی است.) ۴) مدرسه (مدرسه ما؛ ضمیر «نا» باید ترجمه شود)، که (مانند گزینه ۲)، دو مرحله (مانند گزینه ۳)

۱۶۰. **گزینه ۳** ساختار «ما أفعل» برای ما مهم است: «ما أجتل: چه زیباست!» که گزینه ۱) را با آن رد می‌کنیم. «من» در این عبارت معنای «کسی که» می‌دهد نه هرکس (باز هم رد گزینه ۱). «يعمل: عمل می‌کند» فعل است که در همه گزینه‌ها درست ترجمه شده. «ما» بهتر است به صورت «آنچه» ترجمه شود (رد گزینه ۴). «يقول: می‌گوید» فعل مضارع است (رد گزینه‌های ۲) و «۴»، «يتضح: پند می‌دهد، موعظه می‌کند» فعل است (رد گزینه ۱)، و «كلامه الطيب: سخن نیکویش» که ضمیر «ه» حتماً باید ترجمه شود. (رد گزینه‌های ۱) و «۴»

۱۶۱. **گزینه ۴** «این تست نکات زیادی دارد که خوب است دقیق بررسی‌شان کنیم. حُب! اگر بعد از اسم اشاره جمع، اسم بدون «ال» بیاید، اسم اشاره را به همان صورت جمع ترجمه می‌کنیم. (هؤلاء رجال: اینان (این‌ها) مردانی هستند که) پس گزینه ۲) غلط است، از این مهم‌تر این که تا فعل «كان» و رفقایش را دیدید، سریع دنبال «بود» و این‌ها نگردید. اول ببینید بعدش فعل (ماضی یا مضارع) آمده است یا نه. الآن «کانوا» را باید با «يعیبون» یک‌جا و به صورت ماضی استمراری (کان + مضارع: ماضی استمراری) ترجمه کنیم نه اینکه «کانوا» را جدا به صورت «بودند» ترجمه کنیم. (اشباهی که گزینه ۱) کرده!) ضمن این که «کانوا» به واسطه «و» روی «یسخرون» هم تأثیر گذاشته و این فعل هم باید به صورت ماضی استمراری (مسخره (ریشخند) می‌کردند) ترجمه شود؛ انگار که یک «کانوا» هم قبل از «یسخرون» آمده! گزینه ۳) با این توضیحات خیلی پرت است! و البته نکته مهم دیگر این تست: «ما أفتیح: چه زشت است!» ساختار تعجیبی! گزینه ۲ که اشتباه ترجمه‌اش کرده و «این» در «این کارشان» در گزینه ۱) اضافی است!

۱۶۲. **گزینه ۴** «اليوم السادس عشر: روز شانزدهم» (رد گزینه ۱) و «۳»؛ گزینه ۱) ممکن است خیلی گولتان بزند، «أربع مقالات: چهار مقاله» (رد گزینه ۲)؛ گفتم که تحت هر شرایطی معدود را در فارسی به صورت مفرد ترجمه می‌کنیم. «اثنتین منها: دوتا از آن‌ها» (رد گزینه‌های ۱) و «۳» «اثنتین» عدد اصلی است نه ترتیبی!

۱۶۳. **گزینه ۳** «ما أشعذ» در این گزینه اسلوب تعجب است. بررسی سایر گزینه‌ها: ۱) «حُسن ← یک پنجم»، «حُسن، حُسنة: پنج» ۲) «عَلِمَ: یاد داد»، «تَعَلَّمَ: یاد گرفت»، «عَلِمَ: دانست» اجر این دو کار ← اجرشان، مرگ ← مرگ ۴) آقا جان معدود تحت هر شرایطی در فارسی صورت مفرد ترجمه می‌شود: نه تا از دوستان ← نه دوست

مهمان در خانه هست؟! مثلاً باید بگوییم: «پنج مهمان، یازده مهمان» مثل گزینه‌های «۳» و «۴»! «تاسع» در گزینه «۱» که عدد ترتیبی است و اصلاً برای شمارش به کار نمی‌رود و در گزینه «۲» هم «الضیف الثالث: مهمان سوم» از عدد ترتیبی استفاده شده که بی‌معناست. از طرفی وقتی می‌گوید: «في أيّ حصّة مارس الطلاب نشاطاً حراً؟! در کدام زنگ دانش‌آموزان، فعالیت آزاد انجام دادند؟! در جوابش باید عدد ترتیبی بیاید مثل گزینه‌های «۲» و «۳». (الحصّة الرابعة: زنگ چهارم، الحصّة الأولى: زنگ اول)

۱۷۳. گزینه ۲ ﴿ بررسی گزینه‌ها: ۱) شمارش، عدد اصلی نه ترتیبی: سابعه ←

سبعة (سبعة أخطاء: هفت اشتباه) «المئة السادسة: بار ششم» را توب تکان نمی‌دهد! درست است! برای بیان رتبه و مقام و این‌ها از اعداد ترتیبی استفاده می‌کنیم. ﴿ حُب! می‌خواسته بگوید «جزء شانزدهم» پس عدد ترتیبی به کارمان می‌آید. (الجزء السادس عشر) «۱۴» قرار گذاشتیم که معدود عددهای «یک و دو» اصلی را قیلسان بیاوریم. پس «طالبان اثنتان» درست است.

۱۷۴. گزینه ۲ ﴿ بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) «القرن العشرين: قرن بیستم» ترکیب وصفی و عدد ترتیبی «العشرين» صفت است. (گفتم که به اعداد عقود «ال» اضافه کنید، ترتیبی می‌شوند!) «۲» آقا دو تا عدد داریم که صفت نشده‌اند (الاثنتین، الثلاثة) ترجمه عبارت را ببینید: «غذای دو نفر برای سه نفر کافی است» «۳» عدد «یک» اصلی غالباً صفت می‌شود، مثل همین‌جا: «عالم» واحد: یک عالم»

موصوف صفت

۱۴) «بیوتاً خشبیّة: خانه‌هایی چوبی» ترکیب وصفی و «خشبیّة» صفت است.

۱۷۵. گزینه ۳ ﴿ بررسی گزینه‌ها:

۱) از اعداد اصلی فقط «یک و دو» می‌توانند صفت شوند. «خمسة: پنج» در این گزینه صفت نیست. البته «اثنتین» صفت است که سؤال گفته باید گزینه‌ای را پیدا کنیم که همه اعدادش صفت باشند. «۲» «سبعة: هفت» عدد اصلی است و صفت نمی‌شود که نمی‌شود. «السابع» آقا در این گزینه صفت است. «۳» هر دو عدد «الثالث» و «العاشر» در این عبارت صفت‌اند: چون ترتیبی‌اند دیگر. (الإمام الثالث: امام سوم، الیوم العاشر: روز دهم) «۴» «أحد عشر: یازده» و «ستّة: شش» هیچ‌کدام صفت نیستند. دلیلش را هم که خودتان می‌دانید.

۱۷۶. گزینه ۱ ﴿ شکل ظاهری اعداد «۲۰ تا ۹۰» را به‌خاطر بسپارید! «تاسعون»

وجود خارجی ندارد، ما «تسعون» داریم. این یک! دو این که مدل نوشتن اعداد «دو رقمی (۲۱ تا ۹۹)» در عربی برعکس فارسی است:

نود و سه: ثلاثة و تسعون (۹۳)

ترجمه: «تعداد کلّ روزهای بهار نود و سه روز است.»

بقیه گزینه‌ها مشکلی ندارند. من فقط برایتان ترجمه‌شان می‌کنم:

۲) هر سال پنجاه و دو هفته و هر فصل سه ماه دارد.

۳) هر کس یک نیکی به‌سوی پروردگارش بیاورد، ده برابرش از آن اوست.

۱۴) روز ششم از روزهای هفته، پنج شنبه است.

۱۷۷. گزینه ۴ ﴿ صورت سؤال! صورت سؤال خیلی مهم است! گفته که دنبال

گزینه‌ای باشیم که هم عدد اصلی داشته باشد و هم عدد ترتیبی. برویم سراغ گزینه‌ها ببینیم داستان از چه قرار است:

۱) «ستّة: شش»، «خمس: پنج» و «واحد: یک» همه عدد اصلی‌اند. «واحد» گولتان نزند. با این که بر وزن «فاعل» است آقا عدد اصلی حساب می‌شود.

۲) «الثالثة: سوم» و «ثامن: هشتمین» هر دو عدد ترتیبی‌اند. به ترکیب «ثامن‌الثالثة: هشتمین امام» دقت کنید. عدد ترتیبی صفت نشده! گاهی این مدل ترکیب‌ها در عربی به کار می‌رود. در گزینه «۳» هم خواهید دید این نوع مدل ترکیب را دوباره!

۳) «أولی آیات: اولین آیاتی که ...» همان ترکیبی است که گفتم می‌بینیدش! «أولی» عدد ترتیبی و «الأربعین: چهلمین» هم عدد ترتیبی است. عقود اگر «ال» بگیرند ترتیبی حساب می‌شوند.

۱۴) و آقا گزینه جواب! «أربعة: چهار» عدد اصلی و «الثالث: سومین» عدد ترتیبی است. گاهی تست برای این سخت می‌شود که گزینه جواب می‌رود آخرین گزینه! حوصله کنید!

۱۷۸. گزینه ۲ ﴿ «عاشرون» وجود خارجی ندارد. «عشرون: بیست» صحیح است.

۱۷۹. گزینه ۲ ﴿ بررسی گزینه‌ها: ۱) هر چند «أولی: نخستین» عدد ترتیبی است و اعداد ترتیبی غالباً صفت می‌شوند، آقا در این عبارت که موصوف ندارد. عدد به شرطی صفت می‌شود که موصوف داشته باشد. «۲» اعداد اصلی «یک و دو» غالباً صفت می‌شوند. «واحد: یک» موصوف هم گرفته:

«فقیه واحد: یک فقیه»

موصوف صفت

۳) «أربعة: چهار» از اعداد اصلی است و صفت نمی‌شود. «۴» «اثنان: دو» می‌تواند صفت شود به شرطی که موصوف داشته باشد. در این عبارت که موصوف ندارد.

۱۸۰. گزینه ۴ ﴿ ترجمه عبارت سؤال: «در خیابان ما، ده خانه هست و هر خانه سه طبقه دارد. در هر طبقه یک خانواده زندگی می‌کند که (هر خانواده) سه فرزند دارد. تعداد کل افراد در خیابان ما چند نفرند؟»

محاسبات ریاضی را درست انجام دهیم و حواسمان باشد که جایی سوتی ندهیم:

طبقه در کل خیابان $10 \times 3 = 30$

تعداد کل خانواده $4 = 6 + 2$

فرزندان پدر و مادر

تعداد کل افراد $30 \times 6 = 180$

ترجمه گزینه‌ها: ۱) صد و پنجاه ۲) صد و چهل ۳) صد و هفتاد ۴) صد و هشتاد

۱۸۱. گزینه ۴ ﴿ ترجمه عبارت سؤال: «در مدرسه ما چهار کلاس هست و هر

کلاس دوازده دانش‌آموز دارد. نصف آنها به گردش علمی رفتند و پنجاه درصد از بقیه دانش‌آموزان در مدرسه فعالیت آزاد انجام دادند.» طبق عبارت ...

اول محاسبات ریاضی را به دقت انجام دهیم:

تعداد کل دانش‌آموزان $4 \times 12 = 48$

تعداد دانش‌آموزانی که به گردش علمی رفتند. $48 \div 2 = 24$

تعداد دانش‌آموزانی که به گردش علمی نرفتند. $48 - 24 = 24$

تعداد دانش‌آموزانی که در مدرسه فعالیت آزاد انجام دادند. $24 \div 2 = 12$

الآن برویم سراغ ترجمه و بررسی گزینه‌ها: ۱) تعداد کسانی که در مدرسه فعالیت آزاد انجام دادند و کسانی که به گردش علمی رفتند، برابر است. (طبق محاسباتمان اولی «۱۲» و دومی «۲۴» است!) «۲» بیش‌تر دانش‌آموزان به گردش علمی رفتند. (خیر؛ دقیقاً نصفشان رفتند.) «۳» بیست درصد از دانش‌آموزان به گردش علمی رفتند. (خیر؛ نصفشان رفتند یعنی پنجاه درصد.) «۴» بیست و چهار دانش‌آموز به گردش علمی نرفتند. (بله؛ نصف چهل و هشت می‌شود بیست‌وچهار که در محاسباتمان هم به همین عدد